

سلسلهٔ من يرد الله به خيراً يفتقه في الدين (٢)
خداوند به هر کس ا را ده خير دلشته باشد او را در دين آگاهى مى دهد.

قبر: عذاب و خوشى آن

نوشتهٔ حسين العوايشة

ترجمهٔ

إسحاق بن عبدالله بن محمد الديبرى العوضى

قبر: عذاب و خوشی آن

نام کتاب: قبر: عذاب و خوشی آن .

نالیف: حسین العوايشة .

ترجه: أبو عبدالله إسحاق بن عبدالله الديبیری العوضی .

ناشر:

نیراز:

نوبت چاپ دوم: ۱۴۲۱ھ - ق .

حقوق الطبع محفوظه

کلیه حقوق چاپ محفوظ است

قبر: عذاب و خوشی آن

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِهِ - اللَّهُ - مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِيهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ - وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ: رَسُولُ أَكْرَمَ ﷺ بِهِ خَدَاوَنَدَازِ عَذَابِ قَبْرِ پناه خواستند، و امت خود را به آن امر کردند، چنانکه عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که: رسول اکرم ﷺ به ما این دعا را می‌موختند چنانکه سوره ای از قرآن می‌موختند .

((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَأَعُوذُ بِكَ - مِنْ - عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ - مِنْ - فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ)) . [مسلم] .

خدایا من از عذاب جهنم، و عذاب قبر، و فتنه زندگی و مرگ، و فتنه مسیح دجال بتو پناه می‌برم .

سلف و نیاکان اهل سنت و جماعت به عذاب قبر و خوشی آن ایمان کامل دارند، و کفار و ملحدین آنرا انکار کرده و می‌گویند: اگر قبری را نبش کنیم چیزی از عذاب را در آن نخواهیم یافت .

در جواب گفته می‌شود: قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع سلف بر این عقیده اند که عذاب قبر و خوشی آن حق است . و باید گفت که احوال آخرت با احوال دنیا مقایسه

قبر: عذاب و خوشی آن

نمی‌شود، و عذاب و خوشی قبر مانند عذاب و خوشی دنیاست. احساس نمی‌شود.

عذاب قبر و خوشی آن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع اهل سنت و جماعت ثابت است چنانکه خداوند می‌فرماید:

«النار يعرضون عليها غدواً وعشياً ويوم يقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب» . [غافر ٤٦]

[اینک آتش دوزخ را صبح و شام بر آتش عرضه می‌دارند، و چون روز قیامت شود خطاب آید که: فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب جهنم وارد کنید].

و فتنه قبر سؤال مرده از: معبود، دین، و پیامبر است، چنانکه باری تعالی می‌فرماید: **«يَسْتَأْذِنُ الْفِتْنَةُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» . [إبراهيم ٢٧]**

[خدا پایدار می‌فرماید مردمی را که ایمان آوردند، آنان را ثابت قدم و پایدار می‌گرداند به کلمه حق در دنیا و آخرت].

پس بخاطر اینکه عذاب قبر و خوشی آن از مسائل مهم عقیدتی است خواستیم این کتابچه که: **«الف-بر: عذاب»**

«ونعيم»؛ [قبر: عذاب و خوشی آن] نام دارد و برادر محترم شیخ حسین العوايشه از برادران اردنی آنرا نوشته و به انگلیسی عذاب و خوشی قبر با دلایل واضح از قرآن و سنت پیامبر ﷺ می‌باشد به برادران فارسی زبان امت اسلام تقدیم داریم، تا اینکه سرمشقی برای آنان باشد.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت داریم که آنرا خالصاً

قبر: عذاب و خوشی آن

برای رضا و خوشنودی خود قرار دهد .
و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين .
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه - به
أجمعين .

أبو عبدالله:
إسحاق بن عبدالله دبیری

قبر: عذاب و خوشی آن

مقدمه مؤلف

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله وبعد:

با دنبال کردن سلسلهٔ (بدایة السالکین) خداوند متعال مرا موفق فرمود تا این کتاب: (قبر: عذاب و خوشی آن) را بنویسم و ضروری دانستم تا این معلومات را به برادران مسلمان خود تقدیم نمایم، زیرا (عذاب قبر و خوشی آن) از جمله موضوعاتی است که به عقیده تعلق داشته و باید مسلمان آنرا بداند، پس با معرفت و دانستن ارکان ایمان، و عذاب قبر و خوشی آن، و عذاب آتش و خوشی یش؛ با دانستن اینها و ایمان داشتن به آن، آراستن باطن، که آراستن ظاهر به آن مترتب می‌شود، و در آن سلوک و تربیت انسان مؤمن، و امان او در جامعه، و همچنین در تمامی این دنیا خواهد بود، زیرا ما می‌دانیم که فساد مردم چه فرد و چه جامعه عدم و نابود بودن و ازع دینی و آنچه که انسان را از آن فساد به از می‌دارد است، و از بزرگترین و ازع دینی ایمان به خدای تعالی، و مراقبت او در سر و عین و در ظاهر و باطن، و ایمان به فرشتگان، و ایمان به قبر و آنچه در آن از خوشی و عذاب وجود دارد می‌باشد، و ایمان به یش و آتش جهنم، تا آخر آنچه انسان مؤمن باید به آن ایمان آورد است.

قبر: عذاب و خوشی آن

و شخص مؤمن قبل از اینکه از او امری صادر شود چـه قول و چه فعل آنرا در ترازوی حق می‌گذارد، و آنرا با تقوی و پرهیزگاری، و جهنم و نشت و خوشی قبر و عذاب آن می‌سنجد، پس با اینحال هیچ چیز از مؤمن صادر نمی‌شود بجز اعمال و کردار صالح و نیک، و اگر هم چیزی از بدی و آنچه خدا از آن راضی نیست از او رخ دهد، عذاب جهنم و قبر را بیاد خود می‌آورد و می‌بیند که اینها از بند کفش او، به او نزدیک‌ترند، پس هیچ چاره‌ای جز استغفار و توبه و انابه ندارد، و خداوند را استغفار کرده با گریه و زاری، و خشوع و خضوع بسوی او باز می‌گردد.

با این تصورات مسلمانان صدر اسلام جهان را در دست گرفتند، و با جهل و نادانی و ترك این چیزها، امت اسلام زیانکار و خسارت دیده شد.

سعادت و استقرار و امن و امان و خوشی را از دست داد، و محبت و دوستی و الفت بین جامعه اسلامی از بین رفت، جهاد در راه خدا را ترك کردند.

با همه اینها که گذشت دشمنان اسلام در جامعه اسلامی طمع ورزیدند و آنها را محاصره کردند، چنانکه گروهی از مردم بر صیفی خوراك جمع شده آنرا می‌خورند، پس چنان خسارت دیده شدند که جای صحبت نیست در حالیکه خسارت آخرت شدیدتر و بزرگتر است.

دین اسلام راه هدایت و نور است، و کسی که بخواهد

قبر: عذاب و خوشی آن

آنرا پی کند اسلام این راه را برایش روشن می‌گرداند، و این همان دینی است که ب-رای ا-م-ت محم-دی راه را روشن-می‌گرداند، و دلها را با هم جمع کرده الفت می‌دهد، دشمنی را از بین برده و سعادت و عزت و مجد را به آنان می‌بخشاید و همهٔ اینها با تمسك و چنگ زدن به دین حقیقی اس-لام خواهد بود .

در پایان ناگفته نماند که سپاس خود را برای کسانی که مرا در آخراج این کتاب یاری داده ثبت کنم، بخصوص شیخ و معلم فاضل من: الشیخ محمد ناصرالدین الالبانی، که کتاب خود: (الترغیب والترهیب) قبل از اینکه بچ-اپ برس-د در اختیار من گذاشت تا از آن استفاده ببرم، خداوند او را پاداش نیک دهد .

از خداوند متعال خواستارم تا این رساله را خالصانه برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و از من آنرا قبول فرماید، و من و برادران مسلمان را از عذاب قبر و آتش جهنم نجات دهد، و ما را با خوشی قبر و شست خرسند نماید، و از او عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت مسئلت داریم، زیرا او قادر بر همهٔ چیزهاست .

متردد بودن خداوند در قبض روح مؤمن .
از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:
«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنَنِي بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أَحْبَبَهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَبَدَنَهُ الَّذِي يَبْطِشُ بِهِ، وَرَجْلَهُ الَّذِي يَمْشِي بِهِ، وَلَئِنْ سَأَلَنِي لِأَعْظَمِيهِ، وَلَئِنْ أَسْأَلَنِي تَعَاذَنِي لِأَعِزَّنَهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ، تَرَدَّدْتُ عَنْ نَفْسٍ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، بَكَرَهُ الْمَوْتُ، وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ» . [بخاری] .
خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: کسیکه با دوست و ولی من دشمنی کند، من با اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من، تر از فرائض به او - من نزد او نمی‌شود، و بنده من همیشه با انجام نوافل به او - من نزد او نمی‌شود تا اینکه من او را دوست می‌دارم، هنگامیکه من او را دوست داشتم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود، و اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد به او پناه می‌دهم، و من در انجام هیچ کاری متردد نشدم! مگر در

قبر: عذاب و خوشی آن

قبض روح بنده مؤمن، که او مرگ را نمی‌پسندد، و مـن اساءت و بدی به او را نمی‌پسندم - در نتیجه متردد می‌شوم

۲ - حضور شیطان هنگام مرگ:

شیطان تلاش می‌کند هنگام مرگ انسان حضور پیدا کند تا خاتمه انسان را با بدی، فـسق و نافرمانی همـراه نماید، همانطوریکه شیطان تلاش می‌نماید تا هنگام انجام همه اعمال حضور یابد - و انسان را دچار وسوسه کند - و دلیل این مطلب حدیث جابر رضی الله عنه است که گفت رسـول اکـرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ((إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِّنْ شَأْنِهِ، حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَفِطَ مِّنْ أَحَدِكُمُ اللَّفْمَةَ، فَلْيَمِطْ مَا كَانَ أَمِّنَ أَدَى ثَمَّ لِيَأْكُلَهَا وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ، فَإِذَا فَرَغَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبَرَكَةُ)). [مسلم].

شیطان هنگام انجام هر کاری از کارهای شما حضور پیدا می‌کند بطوریکه حتی هنگام غذا خوردن حاضر می‌شود، پس اگر از دست شما لقمه غذا افتاد آنچه از آن ناپاک شده است دور کنید و بقیه آنرا بخورید و آنرا برای شیطان نگذارید، و هنگامیکه از خوردن غذا فارغ شده دید، غذای انگشتان را با زبان تمیز کنید و بخورید زیرا هیچ کس نمی‌داند که در کدام قسمت غذا و خوردنی برکت وجود دارد .

۱ - كافر در این لحظه می‌خواهد او را به دنیا باز گردانند، خداوند متعال می‌فرماید: **﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَـإِلَىٰ رَبِّهِ أَرْجَعُونَ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾** . [المؤمن-ون ۹۹ - ۱۰۰]

[خداوند عز وجل از حال كافران و كسانیکه وقت خ-ود را بیهوده صرف کرده اند، در سكرات مرگ خبر می‌دهد كه آا از خداوند و فرشتگان می‌خواهند كه آنان را به دنیا باز گردانند تا اعمال نيك انجام دهند و در راه خدا صدقه كنند] . مفسر قرطبی گوید: می‌گویم: این سؤال خاص ب-ه ك-افران نیست، بلكه ممكن اِست مؤمن هم این سؤال را از باری‌تعالی بكنند، همچنانكه در آخر سوره المنافقين ذكر شده است . و این آیه دلالت می‌كند كه هیچ فردی دنیا را ترك نمی‌گوید مگر اینکه می‌داند، آیا او از دوستان و اولیاء خداست، و یا از دشمنان اوست، و اگر چنین نبود سؤال نمی‌کردند كه ما را به دنیا باز گردانید، پس قبل از اینکه طعم مرگ را بچ-شید حال خود را می‌دانید .

﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾: عبدالله بن عب-اس رض-ي الله عن-هما می‌گوید: (مرا برگردان تا عمل نيك انجام دهم) یعنی گواهی

قبر: عذاب و خوشی آن

لا إله إلا الله بدهم، و ایمان بیاورم .
«فیما ترک»: یعنی: (آنچه بیهوده ضایع کرده از طاعت-های باری تعالی، و به آن عمل نکرده ام) و در روایت دیگر: (آنچه از مال ترک کرده ام تا اینکه آنرا صدقه دهم) .
«کلا»: این کلمه رد بر اوست، یعنی: اینچنین نیست که تو گمان می کنی که دعوت تو اجابت می شود و تو را به دنیا باز می گردانند، بلکه این کلمه ای است که او به-ر زب-ان می آورد .

«ومن ورائهم برزخ إلى يوم یبعثون»: دیدی از جانب باری تعالی است که جلو آما زندگی و حیات برزخی وجود دارد، یعنی: زندگی در قبر؛ که نه در دنیاست، و نه در آخرت، و این زندگی تا روز محشر ادامه دارد و برای کافران و فاسقان در قبر و عالم برزخ، تاریکی و عذاب است .
۲ - سکرات مرگ:

از عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول اک-رم ﷺ فرمودند: **«لا إله إلا الله إن للموت لسکرات»** . [البخاری و احمد] . نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، همانا به-رای مرگ سختی ها است .

۳ - هنگام مرگ ایمان کافر پذیرفته نمی شود .
از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رس-ول اکرم ﷺ فرمودند: **«لما أغرق الله فرعون قال: أمنت أنه لا إله إلا الذي أمنت به بنو إسرائيل، قال جبريل: يا محمد فلو**

قبر: عذاب و خوشی آن

رأيتني وأنا آخذ من حال البحر فأدسه في فيه مخافة أن تدرکه
الرحمة». [أحمد، الترمذي، صحيح الجامع حديث ٥٠٨٢]

وقتی باری تعالی فرعون را در دریا غرق می کرد فرعون گفت:
ایمان آوردم که جز خدائی که بنو اسرائیل، یع-سی: فرزند-دان
اسرائیل، آنرا می پرستیدند، خدایی دیگر وجود ندارد، جبریل
علیه السلام در این حال به رسول اکرم ﷺ گفت: اگ-ر م-را
می دیدی که گل و لای سیاه دریا را گرفته در دهان فرعون
می گذاشتم از اینکه می دادا رحمت خداوندی به او برسد .
ع - آمدن فرشته مرگ بالای سر انسان قبل از خارج شدن
روح از بدن .

۵ - بشارت فرشته مرگ به مؤمن که باری تعالی از او راضی
است، و گناهانش بخشیده می شود، و بشارت کافر به اینکه
باری تعالی از او راضی نیست و بر او خشمگین است .

- ۱ - روح انسان مؤمن از بدنش براحتی و آسایش خارج می‌شود و کافر بعثت سختی خارج شدن روح از بدن معذب می‌شود. (☆)
- ۲ - خروج روح انسان مؤمن مانند تریب بوی عطر مشک که بر زمین وجود دارد، و خروج روح انسان کافر مانند بدترین بوی مرده ای که در زمین وجود دارد. (☆)
- ۳ - انسان مؤمن هنگامیکه روحش از اطراف او خارج می‌شود خداوند سبحان را حمد و سپاس می‌گوید، چنانکه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ تَخْرُجُ نَفْسُهُ مِنْ بَيْنِ جَنَبَيْهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ». **صحیح الجامع حدیث ۱۹۲۷**.
- روح انسان مؤمن از دو طرف بدنش و یا از دو جنبش بیرون می‌شود در حالیکه او باری تعالی را حمد و سپاس می‌گوید.
- ۴ - وقتی روح از بدن خارج می‌شود چشم انسان روح را دنبال می‌کند (بطرف آن نگاه می‌کند).
- رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا فُيِّضَ عَلَيْهَا تَبِعَهُ الْبَصَرُ». **[مسلم و غیره]**.
- اگر روح قبض و گرفته شد، چشم انسان آنرا دنبال می‌کند.
- ۵ - وقتی فرشتگان روح انسان مؤمن را به آلوده حمل

قبر: عذاب و خوشی آن

می‌کنند درهای آسمان بر روی ایشان باز می‌شود .
۶ - دروازه های آسمان برای روح کفار بروی فرشتگان باز نمی‌شود . (☆)

۷ - باری تعالی امر می‌کند تا روح انسان مؤمن بعد از اینکه کتاب اعمالش در علین (یکی از منازل شت) نوشته شود، به زمین باز گردانده شود . (☆)

۸ - روح کافر از آسمان پرتاب می‌شود تا اینکه به جـ سد مرده اش برگردد، بعد از اینکه کتاب اعمـالش در سدـجین (یکی از منازل جهنم) نوشته شود . (☆)

۹ - انسان مرده وقتی دفن شد در قبر وحشت می‌گیرد، و با نشستن صالحین و مردان نیکوکار بالای قبر در موقع دفن به اندازه ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود انس گرفته و از وحشت بیرون می‌رود، و انجام این کار مستحب است، و دلیل بر آن قول عمرو بن العاص رضی الله عنه است که گفت: **«إِذَا دَفِنْتُمُوهُ فَأَقِيمُوا حَوْلَ قَبْرِ قَدْرَ مَا تَنْتَحِرُ جُزُورٌ وَتَقْسِمُ لِحْمَهَا حَتَّى اسْتَأْنَسَ بِكُمُ وَانْظُرُوا مَاذَا أَرَّاجِعُ بِهِ رَسُلَ رَبِّي»** . [مسلم]

وقتی مرا دفن کردید بالای سرم به اندازه ای که شتری را کشته و گوشت آن تقسیم شود بنشینید، تا با شهـا ازـس و اَلْفَت بگیرم و بینم چطور با دو فرشته منکر و نکیر مقابله کنم .

۱۰ - فشار قبر، و هیچ کس از آن نجات نخواهد یافت .

قبر: عذاب و خوشی آن

از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسـول اکرم ﷺ فرمودند: **((لو نجا أحد من ضمة القبر، لنجا سعد بن معاذ، ولقد ضم ضمة، ثم روحي عنه))** . [صـحیح الجـامع ۵۱۸۲].

اگر کسی از فشار قبر نجان می‌یافت، سعد بن معاذ صـحابی جلیل از آن نجات می‌یافت، ولی به او فشار خیلـی سـخت وارد شد، سپس آن فشار بر طرف گردید .

۱۱ - باز گرداندن عقل انسان به جسدش در قبر:
عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله ﷺ ذكر رقتان القبر، فقال عمر: أترد علينا عقولنا يا رسول الله؟ فقال رسول الله ﷺ: **((نعم كهيتك اليوم))**، فقال عمر: بفيه الحجر . [صحیح الترغیب والترہیب جلد ۶ با سند حسن] .

از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسـول اکرم ﷺ فتنه های قبر را یاد کردند، عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ سؤال کرد ای رسول خدا آیا عقلهایمان به ما باز می‌گردد؟ رسول اکرم ﷺ فرمودند: بلی همچنانکه الآن عقل تـو در جسدت می‌باشد، عمر رضی اللہ عنہ گفت: جواب او را خواهم داد، یعنی جواب فرشته را بدرستی خواهم داد .

اینجا عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ حسن ظن به باری تعالی داشت که خداوند او را موفق می‌کند تا جواب فرشته را بدهد .

۱۲ - مرده وقتی دوستان و همراهانی که برای دفن او آمـده اند، او را وداع می‌گویند و از آنجا دور می‌شوند، صـدای

قبر: عذاب و خوشی آن

پای آ را می‌شنود . (❁)

۱۳ - چه وقت مرده مورد سؤال قرار می‌گیرد؟
بعد از فراغ از دفن سؤال شروع می‌شود .
فقد كان النبي ﷺ إذا فرغ من دفن الميت وقف عليه وقال: «استغفروا لأخيكم وسلوا له التثبيت فإنه الآن يسأل» .
[ابوداود، صحيح الجامع ۹۵۸] .

و به اینخاطر چون دفن میت پایان می‌رسید رسول خدا ﷺ بر قبر ایستاده و می‌فرمودند: اس-تغفار کنی-د ب-رای او، از خداوند ثبات و پایداری بخواهید، زیرا هم اکنون از او سؤال می‌شود .

۱۴ - دو فرشته برای سؤال کردن از میت می‌آید .
۱۵ - نامهای دو فرشته ای که بر میت می‌آیند و چگونگی آ :

از ابو هريرة ؓ روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إذا قبر الميت أناه ملكان أسودان أزرقان، يـالـ لـأحـدـهـما الشكر وللآخر النكير، فيقولان: ما كنـت تـقـول في هـذا الرجل؟ فيقول: ما كان يقول هو: عبد الله ورسوله، أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله، فيقولان: قد كنا نعلم أنك تقول ...» . [جزوی از حدیث ترمذی، صحيح الجامع حدیث ۷۳۷] .

وقتی میت دفن شد دو فرشته سیاه که به رنگ آبی ش-باهت دارند به نزد او می‌آیند، که به یکی از آ -ا منگ-ر، و ب-ه

قبر: عذاب و خوشی آن

دیگری نکیر گفته می‌شود، سپس از میت سؤال می‌کنند: در باره آن مردی که در بین شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ (مقصود رسول اکرم ﷺ است)، مرده جواب می‌دهد: آنچه او می‌گفت که بنده و فرستاده خداست، همان می‌گفتم، و گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداست، پس دو فرشته می‌گویند: ما می‌دانستیم که تو چه-نین چه-و آب خواهی داد.

۱۶ - خداوند مؤمنین را در قبر ثابت قدم نگه می‌دارد، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِذَا أَقْعَدَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ أَنْ يَثْبُتَ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - ذَلِكَ قَوْلُهُ: «ثَبَّتَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ»». [البخاری].

هنگامیکه مؤمن در قبر نشانده می‌شود: گواهی می‌دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و محمد رسول و فرستاده خداست، و این همان قول خداوند است که می‌فرماید: «ثَبَّتَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».

[خدا پایدار می‌فرماید مردمی را که ایمان آوردند، آنان را ثابت قدم و پایدار می‌گرداند به کلمه حق در دنیا و آخرت]. نزد مرگ به قول ثابت و حق بر دین اسلام و خاتمه خوب، و در قبر جواب دو فرشته را صحیح می‌دهد، اگر از او سؤال شد: معبود تو کیست و دین تو چیست؟ و پیامبر تو

قبر: عذاب و خوشی آن

کیست؟ در جواب می‌گوید: معبود من خداست، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است .

۱۷ - موفق شدن انسان مؤمن در ج-واب س-ؤال دو فرشته منکر و نکیر و عدم پیروزی کافر در آن .

۱۸ - انسان مؤمن و صالح قبل از سؤال در قبر با راحتی و خوشحالی می‌نشیند، ولی انسان کافر و بدکار با ت-رس و ناراحتی در قبر می‌نشیند .

از عائشة رضي الله عنها روایت است كه-ه: ((ج-اءت بهودية استطعمت على بابي فقالت: أطمعوني أعاذكم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت: فلم أزل أحبسها حتى جاء رسول الله ﷺ، فقلت: يا رسول الله ما تقول هذه اليهودية؟ قال: وما تقول؟ قلت: تقول أعاذكم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت عائشة رضي الله عنها، فقام رسول الله ﷺ ورفع يديه مدأ يستعيز بالله م-ن فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، ثم قال: أما فتنة الدجال فإنه لم يكن نبي إلا حذر أمته، وسأحدثكم بحديث لم يحذره نبي أمته؛ إنه أعور وإن الله ليس بأعور، مكتوب بين عينيه ك-افر، يفرؤه كل مؤمن، فأما فتنة عذاب القبر فهي بفتنة-ون وء-ني يسألون، فإذا كان الرجل الصالح اجلس في قبره غير فرع ولا مشعوف، ثم يقال له: فما كنت تقول في الإسلام؟ فيقال: ما هذا الرجل الذي كان فيكم؟ فيقول: محمد رسول الله ج-اء بالبينات من عند الله فصدقناه، فيفرج له فرجة قبل النار،

قبر: عذاب و خوشی آن

فینظر إليها یحطم بعضها بعضاً، فیقال له: انظر إلى ما وفاءك الله، ثم تفرج له فرجة إلى الجنة، فینظر إلى زهراً وما فيها، فیقال له: هذا مفعدك منها، ویقال: علی الیقین كنت وعلیه مت، وعلیه تبعث إن شاء الله .

وإذا كان الرجل السوء أجلس فی قبره فرعاً مـ شعوفاً، فیقال: فما كنت تقول؟ فیقول: سمعت الناس یقولون فـ ولا فقلت كما قالوا، فیفرج له فرجة إلى الجنة، فینظر إلى زهراً وما فيها، فیقال له: انظر إلى ما صرف الله عنك، ثم یفرج له فرجة قبل النار، فینظر إليها یحطم بعضها بعضاً، ویقال: هذا مفعدك منها، علی الشك كنت، وعلیه مت، وعلیه تبعث إن شاء الله، ثم یعذب)) . [أحمد وصحیح الترغیب والترهیب] .

زن یهودی به پشت در خانه ام آمد و طلب خوراک کرد و گفت: مرا خوراک بدهید، خداوند شما را از فتنه دجال و فتنه عذاب قبر نجات دهد، عائشه رضي الله عنها گفت: او را همچنان نگه داشتیم تا اینکه رسول اکرم ﷺ آمد، گفت: تم: ای رسول الله این زن یهودی چه میگوید؟ آنحضرت ﷺ فرمود: مگر چه میگوید؟ گفتیم: میگوید: خداوند شما را از فتنه دجال و فتنه عذاب قبر نجات دهد، عائشه رضي الله عنها گفت: رسول اکرم ﷺ ایستاد و دو دستش را بلند کرد و از فتنه دجال و فتنه عذاب قبر به خدا پناه برد، سپس فرمود: اما فتنه دجال هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه امت و پیروان خود را از فتنه آن بر حذر داشته، و شما را از علامتهائی که

قبر: عذاب و خوشی آن

در دجال وجود دارد با خبر می‌کنم که هیچ پیامبری امت و پیروان خود را از این علامتها بر حذر نداشته، دجال یـك چشمش کور است، و خداوند چنین نیست، بین دو چشمش نوشته: کافر، و تمامی مؤمنان آنرا می‌خوانند .

اما فتنه قبر در من و در باره من که رسول خدا هستم سؤال می‌شوند، که آیا می‌توانند جواب صحیح بدهند یا خیر، اگر میت انسانی صالح و نیکوکار باشد در قبر ننشسته و هیچ ناراحتی و ترس ندارد، و به او گفته می‌شود: در باره دین اسلام چه می‌گفتی؟ و آن مردی که میان شما بود چه کسی بود .

فرد صالح و مؤمن جواب می‌دهد: او محمد رسول خداست، و باری تعالی او را با دلایل و براهین واضح از نزد خود فرستاد، و ما او را صادق و راستگو دانستیم و به پیامبری که از طرف خدا آمده قبول کردیم، در اینحال دریچه ای از طرف جهنم گشوده شده و او بطرف آن نگاه می‌کند که آتشی هولناک در هم پیچیده و همدیگر را می‌خورد، و به او گفته می‌شود: بین و بنگر آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه ای از پشت بسوی او باز می‌شود و به گلها و آنچه در پشت وجود دارد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: این جایگاه و مسکن تو است، تو بر یقین و بر حق بودی، و بر آن دنیا را وداع گفتی، و بر آن شاء الله زنده و مشهور خواهی شد .

قبر: عذاب و خوشی آن

و اگر انسانی بدکار و یا کافر باشد در حالیکه تـرس و ناراحتی بر قلب او جای گرفته در قبر می‌نشیند و منتظر سؤال دو فرشته می‌شود، و به او گفته می‌شود: در دنیا چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: شنیدم مردم چیزی می‌گفتند و من آنچه مردم می‌گفتند تکرار می‌کردم. سپس دریچه‌ای از آفتابست بسوی او باز می‌شود و او به گلاها و آنچه در آن می‌باشد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: بین و بنگر. آنچه خدا تو را از آن محروم کرده، و دریچه‌ای از جهنم بر او باز می‌شود و آتش را می‌بیند که در هم می‌خورد و زبانه می‌کشد، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تـوست. و اسیر، حقیقتاً که بر شك و تردید بودی، و بر آن مـردی، و بر آن در روز قیامت زنده و محشور خواهی شد، سپس در قبر به او عذاب داده می‌شود.

۱۹ - برای مؤمن دروازه‌ای از آفتابست به قـبرش باز می‌شود (☼)

۲۰ - برای کافر دروازه‌ای از جهنم به قـبرش باز می‌شود. (☼)

۲۱ - مؤمن جایگاهش را در آفتابست می‌بیند، و کـافر جایگاهش را در جهنم می‌بیند. (☼)

۲۲ - قبر مؤمن به اندازه دید چشم وسیع می‌شود، و قبر کافر تنگ می‌شود. (☼)

۲۳ - عمل صالح و نیک مؤمن به شکل انسان خوش رو

قبر: عذاب و خوشی آن

و صورت، با لباسی پاک دامن و خوش بو ظاهر می‌شود و او را (به شست و نعمتهای آن) بشارت می‌دهد، و اما کافر عمل او به شکل انسان خبیث و مجرم و بد رفتار، که لباسی کثیف و بد بو در تن دارد ظاهر و آشکار می‌شود و او را به سرانجام بد بشارت می‌دهد . (❁)

۲۴ - در قبر به کافر ضربتی با چکش زده می‌شود بطوریکه با این ضربه به خاک تبدیل می‌شود . (❁)
ملاحظه: دلیل آن فقره هائیکه جلو آن این علامت (❁) می‌باشد این حدیث است .

((عن البراء بن عازب رضی الله عنه قال: خرجنا مع النبي ﷺ في جنازة رجل من الأنصار فانتبهنا إلى القبر ولما بلحده، فجلس رسول الله ﷺ مستقبل القبلة وجلسنا حوله وكـأن عـلى رؤوسنا الطير، وفي يده عود ينكت في الأرض، فجعل ينظر إلى السماء، وينظر إلى الأرض، وجعل يرفع بصره ويخفضه ثلاثاً، فقال: استعبدوا بالله من عذاب القبر، مرتين، أو ثلاثاً، ثم قال: اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، ثلاثاً، ثم قال: إن العبد المؤمن إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه ملائكة من السماء، بيض الوجوه كأن وجوههم الشمس، معهم كفن من أكفان الجنة، وحنوط من حنوط الجنة، حتى يجلسوا منه مد البصر، ثم يجئ ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند رأسه فيقول: أيتها النفس الطيبة (وفي رواية: المطمئنة) أخرجي إلى مغفرة من الله ورضوان، قال:

قبر: عذاب و خوشی آن

فتخرج تسيل كما تسيل الفطرة من فيّ الـسقاء، فيأخذها (وفي رواية: حتى إذا خرجت روحه صلى عليه كل ملك بين السماء والأرض، وكل ملك في السماء، وفتحت له أبواب السماء، ليس من أهل باب إلا وهم يـدعون الله أن يعـرج بروحه من قبلهم)، فإذا أخذها لم يدعوها في يده طرفة عـين حتى يأخذوها فيجعلوها في ذلك الكفن، وفي ذلك الحـوط، فذلك قوله تعالى: «توفته رسلنا وهم لا يفرطون» ويخرج منها كأطيب نفحة مسك وجدت على وجه الأرض، فـالـ: فصعدون أ، فلا يمرون - يعني أ - على ملا من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الطيب؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأحسن أسمائه التي كانوا يسمونه أ في الدنيا، فيستفتحون له فيفتح له، فيشيعه من كل سماء مقربوها، إلى السماء التي تليها، حتى ينتهي به إلى السماء السابعة، فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتاب عبي في عليين، «وما أدراك ما عليون كتـاب مرفوم يشهده المقربون» فيكتب كتابه في عليين، ثم يـال: أعيدوه إلى الأرض فأني وعدت أني: منها خلقنـهم وفيهـا أعيدهم ومنها أخرجهم تارة أخرى، قال: فيـرد إلى الأرض وتعاد روحه في جسده .

قال: فإنه يسمع خفق نعال أصحابه إذا ولّوا عنه مدبرين، فيأتيه ملكان شديداً الانتهاز فينتهرانه ويجلسانه فيقولان أـه: من ربك؟ فيقول: ربي الله، فيقولان له: ما دينك؟ فيقول ديني الإسلام، فيقولان له: ما هذا الرجل الذي بعـث فيكم؟

قبر: عذاب و خوشی آن

فيقول: هو رسول الله ﷺ، فيقولان له: وما عملك؟ فيقول: فرأت كتاب الله فأمنت به وصدقت، فينتهره، فيقول: من ربك؟ ما دينك؟ من نبيك؟ وهي آخر فتنة تعرض على المؤمن، فذلك حين يقول الله عز وجل: ﴿يَشهد الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا﴾، فيقول: ربي الله، وديني الإسلام، ونبي محمد ﷺ، فينادي مناد من السماء، أن صدق عبدي، فأفرشوه من الجنة، وألبسوه من الجنة، وافتحوا له باباً إلى الجنة، قال: فيأتيه من روحها وطيبها، ويفسح له في قبره مد بصره، قال: وفي رواية: (يتمثل له رجل حسن الوجه، حسن الثياب، طيب الريح) فيقول: أبشر بالذي في بطنك، الذي كنت توعده، فيقول له وأنت فيشرك الله بخير، من أنت؟ فوجهك الوجه يجرى بالخير، فيقول: أنا عملك الصالح فوالله ما علمتك إلا كنت سريعاً في طاعة الله، بطيئاً في معصية الله، فجزاك الله خيراً، ثم يفتح له باب من الجنة وباب من النار، فيقال: هذا من ذلك لو عصيت الله، أبدلك الله به هذا، فإذا رأى ما في الجنة قال: رب عجل فيام الساعة، كيما أرجع إلى أهلي ومالي، فيقال له: أسكن .

قال: وإن العبد الكافر، وفي رواية الفاجر إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه من السماء ملائكة غلاط شداد، سود الوجوه، معهم المسوح من النار، فيجلسون منه مد البصر، ثم يجرى ملك الموت حتى يجلس عند

قبر: عذاب و خوشی آن

رأسه فيقول: أيتها النفس الخبيثة أخرجي إلى سخط مـن الله
وغضب، قال: فتفرق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفود
الكثير الشعب من الصوف المبلول، فتقطع معهم أـلـهـ روق
والعصب، فيلغنه كل ملك بين السماء والأرض، وكل ملك
في السماء، وتغلق أبواب السماء، ليس من أهل باب إلا وهم
يدعون الله ألا تعرج روحه من فيلهم، فيأخذها، فإذا أخذها
لم يدعوها في يده طرفة عين حتى يجعلوها في تلك أهـ يسوح،
ويخرج منها كائن ربح جيفة وجدت على وجه الأرض،
فيصعدون أـ، فلا يمرون أـ على ملا من الملائكة إلا قالوا: ما
هذا الروح الخبيث؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأفبح أسماءـه
التي كان يسمى أـ في الدنيا، حتى ينتهي به إلى السماء الدنيا،
فيستفتح له فلا يفتح له، ثم قرأ رسول الله ﷺ: ﴿لا تفتح لهم
أبواب السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سمـم
الخياط﴾، فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتابه في سمـمـجين، في
الأرض السفلى، ثم يقال: أعبدوا عبـدي إلى الأرض وـإني
وعد مـ أي: منها خلقتهم، وفيها أعيدهم، منها أخرجهم نارة
أخرى، فتطرح روحه من السماء طرْحاً حتى تقع في جسده،
ثم قرأ: ﴿ومن يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه
الطير أو وي به الريح في مكان سحيق﴾، فتعاد روحه في
جسده، قال: فإنه ليسمع خفق نعال أصحابه إذا ولوا عنه،
وبأنه ملكان شديداً الانتهار فينتهرانه ويجلسانه فيقولان له:
من ربك؟ فيقول: هاه هاه، لا أدري، فيقولان: ما دينك؟

قبر: عذاب و خوشی آن

فیقول: هاه هاه، لا أدري، فيقولان: فما تقول في هذا الرجل الذي بعث فيكم؟ فلا يهتدي لاسمه، فيقال محمد! فيقول هاه هاه، لا أدري سمعت الناس يقولون ذلك! قال: فيقال: لا دريت، ولا تلوت، فينادي مناد م-ن ال-سماء أن ك-ذب، فأفرشوا له من النار، وافتحوا له باباً إلى النار، فيأتيه م-ن حرها وسمومها، ويضيق عليه فيه حتى تختلف فيه أض-لاعها، ويأتيه، وفي رواية: ويمثل له رجل فييح الوجه، فييح الثياب، متن الريح، فيقول: أبشر بالذي يسوؤك، هذا يومك ال-ذي كنت توعده، فيقول: وانت فيشرك الله بالشر، م-ن اذ-ت؟ فوجهك الوجه يجئ بالشر، فيقول: أنا عملك الخبيث، فوالله ما علمت إلا كنت بطيئاً عن طاعة الله، سريعاً إلى معصية الله، فجزاك الله شراً، ثم يفيض له أعمى أصم بكم في يده مرزبة! لو ضري ا جبل كان تراباً، فيضربه ضربة حتى يصير -ا تراباً، ثم يعيده الله كما كان، فيضربه ضربة أخرى، في-صبح صيحة يسمعه كل شيء إلا الثقلين، ثم يفتح له باب من النار، ويهد من فرش النار، فيقول: رب لا تقم الساعة). [أحكام الجنائز ١٥٦ - ١٥٩].

از براء بن عازب رضي الله عنه روایت است که فرمودند: یا رسول خدا ﷺ همراه جنازهٔ مردی از انصار بیرون شدیم، به-ه-ه-ه رسیدیم و هنوز لحد زده نشده بود، و حفر آن تمام نشده بود، رسول اکرم ﷺ رو به قبله نشستند و ما اطراف او نشستیم، و هیچیک از ما صحبت نمی‌کرد، در دست رسول خ-دا ﷺ

قبر: عذاب و خوشی آن

چوبی بود و با آن بر زمین خطهایی می‌کشید، و شروع کرد، اندکی به آسمان نگاه می‌کرد، و از دکی به سوی زمین می‌نگریست، بعد از آن سه بار بطرف بالا، و سه بار بطرف پایین نگاه کرد، سپس دو یا سه بار فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، بعد سه بار فرمود: خدایا از عذاب قبر بتو پناه می‌برم، سپس فرمود: بنده مؤمن چون دنیا را وداع گوید و به استقبال آخرت رود فرشتگانی سفید رو از آسمان به او نازل می‌شوند، رو و صورتشان همانند آفتاب روشن است، کفنی از کفنه‌های شست، و عطرها و ویزه اموات مانند کافور و غیره همراه دارند، تا چه ششم مرده می‌بیند از او دور می‌نشینند، سپس ملك الموت (علیه السلام)، یعنی فرشته ای که روح را قبض می‌کند (عامه مردم آنرا به عزرائیل می‌خوانند، و آنچه در قرآن و سنت پیامبر ﷺ وارد شده است، ملك الموت می‌باشد، و ممکن است عزرائیل از اسمهای اسرائیلی باشد که رسول اکرم ﷺ فرمودند: آنرا تصدیق و تکذیب نکنید)، تا اینکه بالای سرش بنشیند و به او می‌گوید: ای روح پاک، - و در روایتی دیگر - ای روح مطمئن، به سوی مغفرت و رضوان خدا خارج شو، رسول الله ﷺ فرمودند: پس روح از جسد به آسانی خارج می‌شود، همچنانکه فطره ای از گوزه آب خارج می‌گردد.

پس ملك الموت آنرا می‌گیرد - و در روایتی دیگر - وقتی روح از جسد خارج شد تمامی فرشتگان بین آسمان و

قبر: عذاب و خوشی آن

زمین و تمام فرشته های آسمان درود می فرستند و دروازه های آسمان بر روحش باز می شوند، و اهل هر دری از دره ای آسمان تمنا می کنند و از خدا می خواهند تا روح این مـرده را از جهت ایشان بطرف خود سوق دهد، و وقتی ملك الموت روح را از جسد خارج کرده و در دست گرفت فرشته های رحمت که دور از او نشسته بودند فوراً به اندازه چشم به هم زدن روح را از دیت او گرفته و در آن کفن و عطرها نیکـه از پشت پا خود آورده بودند می گذارند، پس این کـلام خداست که در قرآن فرمودند: **«توفهـ رسـلنا وهـم لا یفرطون»**. [فرستادگان ما یعنی ملك الموت و فرشتگانی که با او هستند او را قبض روح می کنند، و آا در آنچه به آا امر شده، که اگر میت مؤمن باشد در اکرام او کوتاهی نکنند، و اگر کافر باشد در اهانت و بد رفتاری و آنچه به آا امر شده کوتاهی نمی کنند].

و روح از جسد خارج می شود همانند تیرین بوی عطرـ مشکی که بر زمین پیدا شود، و فرمود: پس انرا بطرف آسمان می برید، و بر هیچ ملا و جمعی از فرشتگان نمی گذرند مگـر اینکه آا سؤال می کنند: این روح خوش بو روح چه کسی است؟ پس فرشتگانی که آن روح را حمل می کنند جـواب می دهند: این روح فلان این فلان است، با ترین نامهایی که در زمین داشته و مردم یا آن او را صدا می کردند، تا اینکه به انتهای آسمانی که ما انرا در دنیا می بینیم برسند، پس طلب

قبر: عذاب و خوشی آن

می‌کنند که در آسمان دوم بر آسمان باز کنند، سه-پس در آسمان بر آسمان باز می‌شود و در هر آسمان فرشتگانی که در نزدیکی آن روح هستند در تبعید جبهه از آن روح پاک شرکت می‌کنند، تا اینکه به آسمان هفتم برسند، در اینجا باری تعالی می‌فرماید: کتاب اعمال بنده صالح مرا در علین بنویسید، و اُم بلندترین و عالی‌ترین منازل شست است.

«وما ادراك ما عليون كتاب مرقوم يشهده المقربون».

[ای محمد! چه تو را با خبر کرده که علیون چیست؟ سپس تفسیر کرد و فرمود: کتابی است نوشته شده و حاوی عمل خوبان و نیکان که فرشتگان هر آسمان گواه آن هستند]

پس کتابش را در علیون نوشته شد، سه-پس گفته می‌شود: روحش را به زمین برگردانید، و خداوند می‌فرماید: [من به بنده خود وعده داده‌ام که از زمین او را خلق کرده، و به آن او را برمی‌گردانم، و بار دیگر او را از زمین خارج خواهم کرد]، یعنی روز محشر، پس روحش را به زمین برمی‌گردانند و روحش به جسدش برمی‌گردد، رسول الله ﷺ فرمودند: مرده صدای کفش پای دوستانش که برای دفن او آمده‌اند را می‌شنود وقتی از او جدا می‌شوند، پس بر او دو فرشته می‌آید و او را تویخی شدید کرده و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: معبود تو چه که کسی است؟ ج-واب می‌دهد: معبود من الله است، و به او می‌گویند: دین تو

قبر: عذاب و خوشی آن

چيست؟ جواب می‌دهد: دین من اسلام است، و به او می‌گویند: آن مردی که بر شما مبعوث شد چه کسی است؟ جواب می‌دهد: او رسول الله ﷺ است، و به او می‌گویند: در دنیا چه کردی؟ جواب می‌دهد: قرآن خواندم، و به آن ایمان آوردم، و آنرا تصدیق نمودم، بار دیگر او را توبیخ شدیدی کرده به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ و این آخرین فتنه ای است که بر مؤمن وارد می‌شود، و این کلام خداست که می‌فرماید: **«يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»**.

[خداوند مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا ثابت و استوار می‌سازد].

پس میت جواب می‌دهد: معبود من الله است، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است، پس ندائی از آسمان بصدا در می‌آید که بنده من راست می‌گوید، پس از پشت برای او فرش کنید، و از لباسهای شست بر تن او کنید، و دري از پشت بر روی او باز کنید، د، ر، س، و ل اکرم ﷺ فرمودند: پس از شست بوهای زیبا و خوب به او می‌شام او می‌رسد، و قبرش وسعت پیدا می‌کند که طول آن آخرین نقطه ای است که مرده آنرا می‌تواند ببیند، و نزد او می‌آید - و در روایتی - مردی خوش رو، و پاک دامن که از او بوی خیلی خوبی می‌آید، و به او می‌گوید: بشارت بده آنچه

قبر: عذاب و خوشی آن

بر تو آسان است، بشارت بده به رضوان و رحمت خداوندی و شتی که در آن نعمتهای بی پایان است، این روزی است که تو به آن وعده داده شده بودی، پس می-گوئ-د: خداوند تو را به عمل نیک بشارت دهد، تو ک-ی ه-ستی؟ صورتت و رویت، رویی است که به خیر بشارت می-ده-د، وی جواب می-دهد: من عمل صالح تو هستم، به خدا سوگند تو را ندیدهم مگر اینکه در طاعت خدا سباق و سریع بودی، در معصیت خدا گند بودی، پس خداوند تو را ثواب و جزای خیر بدهد، سپس دری از سوی شت و دری از سوی جهنم بر او باز می-شود و به او گفته می-شود: این من-زل و مسکن تو است اگر معصیت خدا می-کردی، و خداوند به م-سکنی که در شت است تبدیل کرده، و وقتی آنچه در شت است دید می-گوید: بار الهی! در قیام ساعت و آخرت عجله کن تا اینکه بسوی اهل و مالم برگردم، پس به او گفته می-شود: من-زل بگیر.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: و بنده کافر - و در روای-تی - فاجر وقتی دنیا را وداع گفته و به استقبال آخرت می-رود بر او فرشته هائی درشت خو، سیاه رو نازل می-شود که ه لباسی از موی جهنم با آ است، و تا آنجائیکه مرده به چشم می-بیند دور از او می-نشینند، سپس ملك اله-وت می-آ-د و بالای سر میت می-نشیند و به او می-گوید: ای روح خبیث و ناپاک بسوی سخط و غضب و خشم خداوند خارج ش-و،

قبر: عذاب و خوشی آن

رسول اکرم ﷺ فرمودند: پس روحش در بدن و جسدش متفرق می‌شود، ملك الموت آنرا کشیده و از بدنش خارج می‌کند همچنانکه سفود: یعنی سیخ کبابی که در اطراف آن سیخهای دیگری وجود دارد (پس وقتی آنرا از پشمنی که در آب خیس شده بیرون آورده می‌شود با خود پشمهای دیگری می‌کشد و با دشواری از آن بیرون می‌آید)، را از پشمنی که در آب خیس شده بیرون آورده می‌شود، پس رگه‌ها و عصبهایش با آن قطع می‌شود و او را همه فرشتگانی که بین آسمان و زمین و در آسمان هستند لعنت می‌کنند و دره‌ای آسمان بسته می‌شوند، هیچ دری از درهای آسمان نیست مگر اینکه دریا ای آن درها دعا می‌کنند که خداوند روح این مرده را از طرف ایشان بالا نبرد، پس ملك الموت روح را گرفته و وقتی در دست گرفت فرشته‌های عذاب که دور از او نشسته‌اند به اندازه چشم به هم زدن روح را از او گرفته و در آن لباس موئی قرار می‌دهند، و از آن مانند بدترین بوی مرده ای که در زمین پیدا شود خارج می‌گردد، سپس آنرا بالا می‌برند، و به هیچ ملا و جمعی از فرشتگان عبور نمی‌کنند بجز اینکه می‌گویند: این روح خبیث و بد چه چیز است؟ جواب داده می‌شوند: فلانی فرزند فلان، با بدترین اسمی که در دنیا نام داشته، تا اینکه به آسمان دنیا برسند، سرانجام درخواست باز کردن دروازه‌ای اسم آن را به روی او می‌کنند، ولی درها باز نمی‌شوند، سپس رسول اکرم ﷺ این

قبر: عذاب و خوشی آن

آیه کریمه را تلاوت فرمود: **«لَا تَفْتَحْ لَهُمُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»** .

[درهای آسمان بروی آنان با نشود و به پشت در نیاید - د تا اینکه شتر در سوراخ سوزن در آید] .

و در اینجا باری تعالی می‌فرماید: [کتاب عمل این مـرده را در سجين بنويسيد: (يکي از منازل جهنم در طبقه اخـر زمين جهنم)، سپس گفته می‌شود: او را به زمين برگردانيد، زیرا به بنده خود وعده داده ام که او را از زمين خلق کرده، و به آن برمی‌گردانم، و بار دیگر او را از زمين حشر خواهیم کرد، پس روحش از آسمان به زمين بطور خیلی شدید پرتاب می‌شود، تا اینکه به جسدش برسد، سپس رسول اکـرم ﷺ این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: **«وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَانَ مِثْلَ الْخَرِّ مِنَ السَّمَاءِ فَتُخَطِّفُهُ الْمَیْرُ أَوْ هُوَ إِلَى رَیْحٍ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ»** .

[هر کس بخدا شرك آورد بدان ماند که از آسمان در افتد و مرغان در فضا بدنش را با منقار برابند، یا بادی تند او را به مکانی دور افکند] .

پس روحش به جسدش برمی‌گردد، سپس فرمود: مـرده صدای پای دوستانش را که برای دفنش آمده بودند و هـم اکنون او را ترك می‌کنند می‌شنود، و دو فرشته تهـ نزد او می‌آیند و او را توبیخ کرده و در قبرش می‌نشانند، و بـه او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ جواب می‌دهد: هـاه

قبر: عذاب و خوشی آن

هاه (این کلمه در اینجا به معنای ترس و بیم و هراس است)، نمی‌دانم، و به او می‌گویند: دین تو چیست؟ جواب می‌دهد: هاه هاه نمی‌دانم، پس به او می‌گویند: در باره آن مردی که در میان شما مبعوث شد چه می‌گوئی؟ می‌گوید: اسمش را بیاد نمی‌آورم، پس به او گفته می‌شود: نام او محمد است، جواب می‌دهد: هاه هاه، نمی‌دانم، ش - ندیدم م - مردم چنان می‌گویند، فرمود: پس به او گفته می‌شود: ندانستی، و خواندی، پس منادی از آسمان ندا می‌کند که او دروغ می‌گوید، پس برای او از جهنم فرش کنید، و بر او دری از جهنم باز کنید، و بر او وارد می‌شود - و در روابتی - مردی بد چهره و زشت، و پلید دامن که از او بوی خیلی بد و نفرت انگیزی می‌آید ظاهر می‌شود، و به او می‌گوید: تو را به توهین و اساءت و زیانکاری و بدبختی بشارت می‌دهم، این روزی است که بتو وعده داده شده بود، پس م - رده می‌گوید: و خداوند تو را به بدی بشارت دهد، تو چه کسی هستی؟ صورت تو صورتی است که خبر زشتی هم - راه دارد، جواب می‌دهد: من عمل خبیث تو هستم، بخدا سوگند تو را ندیدم مگر اینکه در طاعت خدا تنبل بودی، و در معصیت او زرنگ و چابک بودی، پس خداوند تو را جزای بد بدهد - د، پس بر او کور و کر و لالی مسلط می‌شود که چک - شی در دست دارد که اگر آنها به کوهی بزنند کوه به خاک تبدیل می‌شود، پس به میت ضربه ای می‌زنند که میت تبدیل به -

قبر: عذاب و خوشی آن

خاك مى‌شود، سپس خدا او را به همان جسدی كه به او داده بر مى‌گرداند، بار دیگر به او ضربه ای مى‌زند با این ضربه او فریاد مى‌كشد كه بجز انس و جن همه مخلوقات آواز و فریاد او را مى‌شنوند، سپس بر او درى از جهنم باز مى‌شود و برایش از جهنم فرش مى‌شود، و مرده مى‌گوید: بار الهی! قیامت را بر پا مكن .

۲۵ - اهل آسمان روح پاك را خوش آمد مى‌گویند و به او بشارت نيكو و خوب مى‌دهند .

۲۶ - اهل آسمان روح ناپاك را خوش آمد نمى‌گویند و به او بشارت بد مى‌دهند .

۲۷ - آتشی كه خداوند مؤمن را از آن نجات داده است دیده مى‌شود .

۲۸ - دریچه ای از پیوی شست باز مى‌شود تا انـسان بدكار جایگاهی را كه از آن محروم شده است ببیند .

قال ﷺ: ((إِنَّ أَمْبِتَ تَحْضِرُهُ الْمَلَائِكَةُ، فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحاً قَالَ: أَخْرَجَنِي أَيْتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ، أَخْرَجَنِي حَمِيدَةً، وَأَبْشَرَنِي بِرُوحٍ وَرِجَانٍ، وَرَبِّ عَزَّ وَجَلَّ غَضَبَانٍ، فَلَا يَزَالُ يَقَالُ ذَلِكَ حَتَّى تَخْرُجَ، ثُمَّ يَعْرِجُ - أَيْ إِلَى السَّمَاءِ فَيَسْتَفْتِحُ لَهَا، فَيَقَالُ: مَنْ هَذَا؟ فَيَقُولُ: فَلَانٌ، يَقَالُ: مَرْحَباً بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ، كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ، ادْخُلِي حَمِيدَةً، وَأَبْشَرِي بِرُوحٍ وَرِجَانٍ، وَرَبِّ غَيْرِ غَضَبَانٍ، فَلَا يَزَالُ يَقَالُ لَهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ - أَيْ إِلَى السَّمَاءِ الَّتِي فِيهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى .

قبر: عذاب و خوشی آن

فإذا كان الرجل السوء، قال اخرجني أيتها النفس الخبيثة، كانت في الجسد الخبيث، اخرجني ذميمة، وأب-شرى بهم-يم وغساق، وآخر من شكله أزواج، فلا يزال يقال لها ذاك حتى تخرج، ثم يعرج إلى السماء فيستفتح لها، فيقال: م-ن هذا؟ فيقال: فلان، فيقال: لا مرحباً بالنفس الخبيثة كانت في الجسد الخبيث، ارجعي ذميمة، فإنها لا تفتح لك أب-واب السماء، فترسل من السماء، ثم تصير إلى القبر .

فيجلس الرجل الصالح في قبره غير فزع ولا مشعوف، ثم يقال له: فيم كنت، فيقول: كنت في الإسلام، فيقال له: م-ا هذا الرجل؟ فيقول: محمد رسول الله ﷺ جاءنا بالبينات من عند الله فصدقناه، فيقال له: هل رأيت الله؟ فيقول: ما ينبغي لأحد أن يرى الله، فيفرج له فرجة قبل النار، فينظر إليها-أ يحطم بعضها بعضاً، فيقال له: انظر إلى ما وراك الله تعالى، ثم يفرج له فرجة قبل الجنة، فينظر إلى زهرها وما فيها، فيقال له: هذا مقعدك، ويقال له: على اليقين كنت، وعليه م-ت، وعليه تبعث إن شاء الله .

ويجلس الرجل السوء في قبره فزعاً مشعوفاً، فيقال له: فيم كنت؟ فيقول: لا أدري، فيقال له: ما ه-ذا الرجل-ل؟ فيقول: سمعت الناس يقولون قولا فقلته، فيفرج له فرجة قبل الجنة، فينظر إلى زهرها وما فيها، فيقال له: انظر إلى م-ا صرف الله عنك، ثم يفرج له فرجة إلى النار، فينظر إليها يحطم بعضها بعضاً، فيقال له: هذا مقعدك، على ال-شك كنت،

قبر: عذاب و خوشی آن

وعلیه مت، وعلیه تبعث إن شاء الله)) [ابن ماجه، وصحیح الجامع ۱۹۶۴، وصحیح الترغیب والترہیب] .

رسول اکرم ﷺ فرمودند: فرشته نزد میت حاضر می‌شود، پس اگر میت فردی صالح و نیکوکار بود فرشته به او می‌گوید: ای روح پاکی که در جسد پاک هستی، خارج شو در حالیکه سپاسگذاری، و او را به بویهای خوش و خوب و رضایت خداوند بشارت می‌دهد، و همچنان به او این کلمات گفته می‌شود تا اینکه روح از جسد خارج گردد، پس بطرف آسمان بالا برده می‌شود، و طلب استفتاح و باز کردن در آسمان می‌شود، و گفته می‌شود: این چه کسی است؟ جواب می‌دهد: فلان است، اسمش را می‌گویند، گفته می‌شود: مرحباً، روح پاکی که در جسد پاک بوده است، خوش آمد شاکر و سپاسگذار داخل شود، و او را به بویهای خوب و خوش و رضایت خداوند و عدم خشم او بشارت می‌دهند، همچنان اینها به او گفته می‌شود تا اینکه به آسمانی که در آن باری تعالی است برسد .

و اگر مرده مردی بدکار باشد به او می‌گویند: ای روح بد که در جسد پلید و ناپاک هستی خارج شو در حالیکه گناه کرده ای، و پست و ذلیل هستی، و تو را بشارت می‌دهیم به حرارتی که به انتهایش رسیده است، و سردی که شدت آن قابل تحمل نیست، و تو را به انواع مختلف عذاب بشارت می‌دهیم، و همچنان به او این کلمات گفته می‌شود تا روح

قبر: عذاب و خوشی آن

از بدن خارج گردد، سپس بطرف آسمان بالا برده می‌شود و طلب باز کردن در آسمان می‌شود، گفته می‌شود: این چه کسی است؟ جواب داده می‌شود: فلان، اسمش ذکری می‌شود، گفته می‌شود: این روح خبیث که در جسد خبیث و ناپاک بوده است، خوش نیامد با بار گناه ذلیل و سرزنش شده برگردد، زیرا درهای آسمان بر تو باز نمی‌شود، پس از آسمان فرستاده می‌شود و بسوی قبر می‌رود.

مرد صالح و نیکوکار در قبرش بدون ترس و هول و هیچگونه بیم و هراسی می‌نشیند، و به او گفته می‌شود: به چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: به دین اسلام، و به او گفته می‌شود: چه کسی است آن مردی که بین شما ظهور کرد؟ می‌گوید: محمد رسول الله ﷺ، مبعوث شد در حالیکه به او براهین و آیات و دلایل واضح و آشکار از نزد خداوند بود، و ما او را تصدیق کردیم، به او گفته می‌شود: آیا باری تعالی را دیده‌ای؟ جواب می‌دهد: نباید در دنیا کسی خدا را بیند، پس دریچه‌ای از طرف جهنم بسوی او باز می‌شود و به آن نگاه می‌کند در حالیکه به وضی در به وضی دیگر می‌پیچند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن و بین آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه‌ای از طرف پشت بر او باز می‌شود و او به گلها و آنچه در آن می‌باشد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، و به او گفته می‌شود: بر یقین بودی و بر آن یقین

قبر: عذاب و خوشی آن

مردی، و بر آن روز قیامت مبعوث خواهی شد، این شاء الله .
و مرد سوء و بدکار در قبرش با ترس و خوف می‌نشیند
و به او گفته می‌شود: بر چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: د:
نمی‌دانم، به او گفته می‌شود: انفرادی که میان شما مبعوث شد
چه کسی است؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، شنیدم مردم چیزی
می‌گویند من هم همان گفتم، پس دریچه‌ای از طرف پشت
بر او باز می‌شود و او به گلها و آنچه در آن هست نگاه
می‌کند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن به آنچه خداوند تو
را از آن محروم کرده، سپس دریچه‌ای از طرف جهنم بر او
رویش باز می‌شود، و نگاه می‌کند که بعضی با بعضی دیگر
در هم می‌پیچد، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه
تو است، بر شک بودی، و بر آن شک مردی، و بر آن روز
قیامت مبعوث خواهی شد، این شاء الله .
۲۹ - بوی خوب روح مؤمن به مشام فرشتگان می‌رسد

۳۰ - خوشحالی مردگان مؤمن بقدم روح مرده مؤمن
جدید، بیشتر از خانواده‌ای است که مسافر را از سفر آمده
است .

۳۱ - روح انسان مؤمن وقتی به ارواح مؤمنان دیگر
می‌پیوندد از غم دنیا راحت می‌شود .

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله
فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا تُبِضَ أَتَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ بِحَرَمَةٍ

قبر: عذاب و خوشی آن

بیضاء، فیقولون: اخرجی إلى روح الله، فتخرج كأطيب ريح المسك، حتى إنه ليناوله بعضهم بعضاً فيشمونہ حتى یأتوا به باب السماء، فیقولون: ما هذه الريح الطيبة التي جاءت من الأرض؟ ولا یأتون بماء إلا قالوا مثل ذلك، حتی یأتوا به ارواح المؤمنین، فإنهم أشد فرحاً به من أهل الغائب بغائبهم، فیقولون: ما فعل فلان؟ فیقولون: دعوہ حتی یستريح فإنه كان في غم الدنيا، فیقولون: فد مات، أما أناکم؟ فیقواون: ذهب به إلى أمه الهاوية .

وأما الکافر فبأنه ملائكة العذاب به مسح فیقواون: اخرجی إلى غضب الله، فتخرج کأتس ريح جيفة، فيذهب به إلى باب الأرض» . [ابن حبان، ابن ماجه، وصحيح الترغيب والترهيب] .

وقتی روح انسان مؤمن قبض و گرفته می شود فرشته های رحمت با ابریشمی سفید رنگ می آیند و می گویند: به سوی رحمت خداوند خارج شو، روح مؤمن مانند ترین بوی عطر مشک بیرون می شود، بطوریکه فرشتگان آنرا دست بدست می گردانند، و بوی آنرا استشمام می کنند، تا اینکه به دروازه آسمان می برند، نگهبانان آسمان می گویند: این بوی خوبی که از زمین آمده چیست؟ و فرشتگان به هر آسمانی که می رسند این جمله به آن گفته می شود، تا اینکه روح این فرد را نزد ارواح مؤمنین می برند، خوشحالی مؤمنین بیشتر از خوشحالی کسانی است که مسافر آنرا از سفر می آید، ارواح مؤمنین از

قبر: عذاب و خوشی آن

او می پرسند: فلانی چه کار کرد؟ فرشتگان می گویند: او را بگذارید تا استراحت کند زیرا او در غم دنیا بـوده است، بالآخره در جواب آ آ می گویند: او فوت کرد، آیا نزد شما نیامد؟ آ آ می گویند: او به جایگاهش در جهنم برده شده است .

اما فرد کافر فرشته های عذاب یا پارچه ای که از مـو بافته شده است می آیند و به او می گویند: بـسوی خـشم خداوند بیرون شو، پس روح کافر مثل بد بوترین بوی حیوان مرده بیرون می شود، فرشتگان آنرا بـسوی دروازه زمـین می برند .

۳۲ - ادامه نمایش و نشان دادن مسکن و جایگاه انسان در قبر، از پشت یا از جهنم .

خداوند متعال می فرماید: **«النار یعرضون علیها غـدواً وعشیاً ویوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب» .** [غافر ۴۶]

[اینك آتش دوزخ را صبح و شام بر آ آ عرضه می دارند، و چون روز قیامت شود خطاب آید که: فرعونیهـان را بـه سختترین عذاب جهنم وارد کنید] .

از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: **«إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عَرِضَ عَلَيْهِ مَفْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَيَقَالُ: هَذَا مَفْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ**

قبر: عذاب و خوشی آن

الله يوم القيامة» . [متفق عليه] .

وقتی یکی از شما فوت کرد و دنیا را وداع گفت: هــر صبح و شام جایگاهش بر او عرضه می‌شود، اگر از اهل بهشت است، پس از بهشتیان، و اگر از اهل دوزخ است، پس از دوزخیان بر او عرضه می‌شود، و به او گفته می‌شود: این جایگاه و مسکن تو است تا اینکه خداوند تو را روز قیامت حشر نماید .

۳۳ - شنیدن حیوانات صدای کسانی که در قبرهایشان عذاب می‌بینند .

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **«إِنَّ الْمَوْتَى لَيَعَذِّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ، حَتَّىٰ إِنَّ الْبَهَائِمَ لَتَسْمَعُ أَصْوَاهُ»** . [صحیح الجامع ۱۹۶۱] .

مردگان در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند، تا آنکه حیوانات از شدت عذاب صدای آن را می‌شنوند .

۳۴ - قبر اولین منـزل از منازل آخر است .

از هانی مولى عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که: عثمان بن عفان وقتی بر قبر می‌ایستاد گریه می‌کرد، به اندازه ای که ریشش خیس می‌شد، به او گفته شد: تو را از بهشت و جهنم با خبر می‌کنند گریه نمی‌کنی! ولی از خبر قبر گریه می‌کنی؟ فرمود: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **«الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنْزِلَةٍ مِنَ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ، فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَبْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ»** .

قبر: عذاب و خوشی آن

قبر اولین منزل از منازل آخرت است، اگر انسان از آن نجات یافت بعد از آن آسانتر است، و اگر نجات نیافت بعد از آن شدیدتر است.

و فرمود: شنیدم که ﷺ می‌فرماید: «(ما رأیت منظرأ قط، إلا والقبر أظلم منه)». [صحیح الترغیب والترہیب]. هرگز منظر وحشتناکی ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناکتر از آن است.

۳۵ - قبر کسانی که در معصیت افتاده اند پر از ظلمت و تاریکی می‌شود: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «(إن هذه القبور مثلثة على أهلها ظلمة، وإن الله ينورها لهم بصلاتي عليهم)». [صحیح الترغیب والترہیب].

این قبرها بر کسانی که در آن خوابیده اند تاریک است و باری تعالی آنها بدعای من برای ایشان نورانی می‌کند.

۳۶ - افراد زنده توانائی شنیدن عذاب قبر را ندارند.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «(إن هذه الآمة تنبأني في قبورها، فلولا أن لا تدافنوا، لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبور الذي أسمع منه)». [مسلم وغيره].

این امت در قبورشان مبتلی می‌شوند، و اگر در دفن نمی‌شدید دعا می‌کردم خداوند از عذابی که در قبر است و من آنرا می‌شنوم، شما را از آن بشنواند.

۳۷ - خوردن از درخت شست قبل از روز قیامت، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «(إنما نسمة المؤمن طائر يعلق في

قبر: عذاب و خوشی آن

شجر الجنة، حتى يبعثه الله إلى جسده يوم يبعثه)) . [صحيح الجامع ۲۳۶۹] .

در حقیقت روح انسان مؤمن پرنده ای است که از درختان بهشت می‌خورد تا روز قیامت باری تعالی آن را به جسدش برگرداند .

۳۸ - روح انسان مؤمن به وام و قرضی که به عهد اوست معلق است، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((نفس المؤمن معلقة بدينه حتى يقضى عنه)) . [الترمذي وصحيح الجامع ۶۶۵۵] .

روح مؤمن به وام و قرضی که به عهد اوست معلق است، تا اینکه وام و قرض او پرداخت شود .

۳۹ - دعای فرشتگانی که در آسمان هستند برای بنده مؤمن، رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((إذا خرجت روح العبد المؤمن تلقاها ملكان يصعدان - فذكر من ربح طيبها - ويقول أهل السماء: روح طيبة، جاءت من قبل الأرض، صلى الله عليك، وعلى جسد كنت تعمربه، فينطلق به إلى ربه، ثم يقول: انطلقوا به إلى آخر الأجل - وإن الكافر إذا خرجت روحه - فذكر من نبتها - ويقول أهل السماء: روح خبيثة جاءت من قبل الأرض، فيقال: انطلقوا به إلى آخر الأجل)) . [مسلم] .

وقتی روح بنده مؤمن از جسدش خارج شد، دو فرشته آنرا گرفته به آسمان می‌برند، بعد آنحضرت از بوی خوب و

قبر: عذاب و خوشی آن

خوش آن یاد کردند، و آه-ل آسم-ان، یه-نی: فرشته-تگان می-گویند: روح خوبی از طرف زمین آمده، و دعا می-کنند و می-گویند: درود خدا بر تو باد و بر جسدی که بر آن عم-ر کردی، و بطرف خدا ب-رده می-شود، پ-س باری-تع-الی می-فرماید: آنرا به آخرین موعدی که دارد برید . و و-ق-تی روح کافر از جسدش خارج می-شود، و آنحضرت بوی ب-د آنرا یاد کردند و فرمودند: فرشته های آسمان می-گویند: روح پلید و بدی از طرف زمین آمده، و گفته می-شود: آنرا بطرف آخرین موعد او برید .

۴۰ - نورانی شدن قبر انسان مؤمن .

۴۱ - خواب انسان مؤمن در قبرش .

۴۲ - شوق مرده به بشارت اهل خود، رسول اکرم ﷺ

فرمودند: «إِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ أَتَاهُ مُلْكَانِ أَسْوَدَانِ أَرْفَاقَانِ، يَفْـالُ أَحَدُهُمَا الْمُنْكَرَ وَالْآخَرُ النُّكِيرَ، فَيَقُولَانِ: مَا كُنْتَ تَفـالُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: مَا كَانَ يَقُولُ هُوَ: عِبـالِ اللَّهِ وَرَسـالِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَفـالُ: فَدَ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ، ثُمَّ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ، ثُمَّ يَنُورُ لَهُ فِيهِ، ثُمَّ يَقَالُ: نَم، فَيَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِـي فَأَخْبِرْهُمْ، فَيَقُولَانِ: نَم كُنُومَةُ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوفِظـه إِلَّا أَحَبَّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ، وَإِنْ كـالْ مَنْافِقِ فَال: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَوْلًا، فَقُلْتُ مِثْلَهُ، لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ: فَدَ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ، فَيَقَالُ لِلْأَرْضِ: التَّنْمِي

قبر: عذاب و خوشی آن

عليه، فتلتئم عليه، فتختلف أضلاعه، فلا يزال فيها معذباً، حتى يبعثه الله من مضجعه ذلك» . [صحيح الجامع ٧٣٧] .

وقتی مرده دفن شد دو فرشته سیاه رنگ که مشابه به آبی هستند، و یکی منکر و دیگری نکیر نام دارد به زرد میبت می‌آیند، و به او می‌گویند: در مورد مردی که در بین شه‌ا مبعوث شد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: آنچه او می‌گفت: بنده خدا و فرستاده اوست، و گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست، پس می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، سپس قبر او به طول هفتاد ذراع و ۶-رض هفتاد ذراع وسعت پیدا می‌کند، و نورانی می‌شود، و به او گفته می‌شود: بخواب، جواب می‌دهد: برمی‌گردم به خانه ام و اا را خبر می‌کنم، می‌گویند: بخواب همچنانکه ۶-روس می‌خوابد و بیدار نمی‌شود بجز وقتی محبوبترین افراد خانواده او را از خواب بیدار می‌کند، تا اینکه به باری تعالی او را روز قیامت حشر نماید .

و اگر منافق باشد می‌گوید: شد- نیدم م-ردم چیه-زی می‌گویند، من هم همچنان گفتم، نمی‌دانم چه نام دارد، پس دو فرشته می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، و به زمین گفته می‌شود: او را درهم بفشار، پس او را -م می‌فشارد تا اینکه دنده های بدنش در هم شکسته شود، و همچنان عذاب می‌بیند تا اینکه باری تعالی او را روز قیامت

حشر نماید .

۴۳ - قبر انسان مؤمن از گُلها و سبزیها تا روز قیامت پر می‌شود، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، حَتَّى إِنَّهُ يَسْمَعُ فِرْعَ نَعَالَهُمْ، أَنَاهُ مَلَكَانِ فِيَقْعَدَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ - لَمَحْمَد - فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، فَيَقَالُ: انْظُرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ، فَمَا أَبْذَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ، فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا، وَيَفْشَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَبِمَلَأَ عَلَيْهِ خَضْرَاءً إِلَى يَوْمِ يَعْثُونَ . وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوِ الْمُنَافِقُ، فَيَقَالُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي، كُنْتَ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيْتَ وَلَا تَلَيْتَ، ثُمَّ يَضْرِبُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ ضَرْبَةً بَيْنَ أُذُنَيْهِ، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ بَلَيْهِ غَيْرُ الثَّقَلَيْنِ، وَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ أَعْيُنُهُ» . [متفق عليه] .

وقتی که بنده خدا دفن شد و دوستانش از اطراف او دور شدند، و او صدای پای آنها را می‌شنود، دو فرشته نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: در مورد این مرد چه می‌گفتی؟ - یعنی محمد ﷺ - پس اگر مؤمن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که او بنده و فرستاده خداست، پس به او گفته می‌شود: نگاه کن بسوی جایگاهت که از جهنم است، و باری تعالی آنها را به جایگاه و مسکنی ازشت تبدیل کرده، و همه آنها را می‌بیند، و قبر او هفتاد ذراع وسعت

قبر: عذاب و خوشی آن

پیدا می‌کند، و از گلها و سبزیها تا روز قیامت پر می‌شود، و اما کافر و یا منافق به او گفته می‌شود: چه می‌گفتی در بارهٔ مردی که میان شما ظهور کرد؟ ج- جواب می‌دهد: نمی‌دانم، آنچه مردم می‌گفتند، می‌گفتم، پس ب-ه او گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی، سپس ضربتی با چکشی از آهن بین دو گوش او زده می‌شود و فریاد و نعره ای می‌کشد که جز انس و جن سایر اطرافیان او را می‌شنوند، و قبر بر او تنگ می‌شود تا اینکه دنده هایش در هم شکسته شود .

۴۴ - جواب انسان مؤمن در ق-بر ه-دایتی از جانب باری تعالی است که به او داده می‌شود .

۴۵ - در قبر از میت بجز از عبادت و دین سؤال دیگری نمی‌شود .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهٖ أَنَاهُ مَلِكٌ فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَإِنَّ اللَّهَ هَدَاهُ قَالَ: كُنْتُ أَعْبُدُ اللَّهَ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، فَمَا يَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ غَيْرِهَا، فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى بَيْتٍ كَانَ فِي النَّارِ، فَيَقُولُ لَهُ: هَذَا بَيْتُكَ كَانَ فِي النَّارِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَصَمَكَ وَرَحِمَكَ، فَأَبْدَلَكَ بِهِ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: دَعُونِي حَتَّى أَذْهَبَ فَأُبَشِّرَ أَهْلِي، فَيَقَالُ لَهُ: أَس-كُنْ؟ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهٖ، أَنَاهُ مَلِكٌ فَيَسْتَهْرَهُ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَيَقُولُ: لَا أَرُدِّي، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيْتَ وَلَا تَلْبِتَ، فَيَقَالُ: فَمَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: كُنْتُ أَقُولُ مَا

قبر: عذاب و خوشی آن

**نفول الناس، فيضربه بمطراق من حديد بين اذنيه، في-صيح
صيحة يسمعها الخلق غير الثقلين». [ا-وداود، وص-حيح
الجامع ١٩٣٦].**

وقتی بنده مؤمن دفن شد فرشته ای بر او وارد می‌شود و به او می‌گوید: چه چیزی را عبادت می‌کردی؟ پس اگر خدا او را هدایت کرده می‌گوید: خداوند را می‌پرستیدم، و به او می‌گوید: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: او بنده خدا و فرستاده اوست، پس از او چیز دیگری سؤال نمی‌شود، و او بطرف خانه ای که در جهنم است برده می‌شود، و به او گفته می‌شود: این خانه تو است، ولیکن باری تعالی بر تو رحم کرده و تو را از آن نجات داده، و آنرا به خانه ای درشت تبدیل کرده است، پس مرده می‌گوید: بگذارید به خانه ام رفته ام را با خبر کنم، پس به او گفته می‌شود: اینجا مسکن بگیر.

وقتی کافر در قبر دفن شد، فرشته ای بر او وارد شده و او را توبیخ می‌کند و به او می‌گوید: چه کسی را عبادت می‌کردی؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، پس به او گفته می‌شود: ندانستی و خواندی، و به او گفته می‌شود: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: می‌گفتم آنچه مردم می‌گفتند، پس به او با چکش آهنی بین دو گوشش ضربه ای می‌زنند، و فریاد و نعره ای می‌کشد که تمامی خلق بجز انس و جن صدای او را می‌شنوند.

قبر: عذاب و خوشی آن

۴۶ - آنچه روی زمین می‌گذرد مردگان نمی‌شنوند، باری تعالی می‌فرماید: **﴿فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّامِ الدَّعَاءَ إِذَا وَلُوا مَدْبَرِينَ﴾** . [الروم ۵۲] .

[شما نمی‌توانید مردگان را بشنوید، همانطوری‌که از شما سر را نمی‌توانید بشنوید هنگامیکه این کرها پشت خود را بسوی شما بگردانند، مگر اینکه خداوند بخواهد] .

۴۷ - گفاری که در جنگ بدر کشته شدند و در چاه انداخته شدند سخن پیامبر ﷺ را شنیدند، اما توانایی جـواب دادن را نداشتند .

در بخاری به ثبوت رسیده است که رسول خدا ﷺ کنار اهل چاه ایستادند و فرمودند **«وَجِدْتُمْ مَا وَعَدَكُمْ رَبِّكُمْ حَقًّا؟ فَبِئْسَ لَهُ: تَدْعُو أَمْوَانًا؟ فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ بِأَسْمِعَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَا يَحْيُونَ»** . [البخاری] .

آیا آنچه پروردگار شما به شما وعده داده بود حقیقت یافتید؟ بعضی از یاران گفتند: آیا مردگان را صدا می‌زنی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: شما تر از آنها نمی‌شنوید، ولی آنها نمی‌توانند جواب بدهند .

۴۸ - اشتیاق صحابه و یاران در برزخ، آناییکه در راه خدا شهید شدند، به برادرانشان که زنده اند، تا اینکه آنها را از کرامتی که برای شهداء آماده شده با خبر سازند، رسول اکرم ﷺ به یاران خود فرمودند: **«لَمَّا أُصِيبَ إِخْوَانُكُمْ بِأَجْدٍ، جَعَلَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خَضِرٍ، تَرُدُّ أَرْوَاحَ الْجَنَّةِ، تَأْكُلُ**

قبر: عذاب و خوشی آن

من ثارها، وتأوي إلى فتاديل من ذهـب، معلقة في طـلـ العرش، فلما وجدوا طيب ماكلهم ومشر م ومقبلهم، قالوا: من يبلغ إخواننا عنا أنا أحياء في الجنة برزق، لئلا يزهدوا في الجهاد، ولا ينكلوا عند الحرب؟ فقال الله تعالى: أنا أبلغهمـم عنكم). [أحمد وأبوداود، والـحـاکم، وصـحـیح الجـامع ۵۰۸۱].

وقتی برادران شما در عزوه أحد شهید شدند باری تعالی ارواحشان را در داخل پرندگان سبز رنگ که در بهشت هستند داخل کرد، و این پرندگان به روده‌های بهشت آمده و از میوه‌های آن می‌خورند و بطرف فانوس و شمع‌دانی از طلا که به ظل و سایه عرش خدا معلق است باز می‌گردند، و وقتی لذت خوردن و آشامیدن و خوابیدن را احساس کردند، گفتند: چه کسی برادرانمان را با خبر می‌سازد از ما که در بهشت زنده هستیم، و رزق و روزمان به ما می‌رسد، تا اینکه از جهاد در راه خدا چشم پوشی نکنند و دست نکشند، و از جنگ ناراحت نشوند، باری تعالی فرمود: من آن را از شما با خبر می‌کنم.

فصل چهارم:
عذاب جسمانی که گناهکاران در قبرشان می‌بینند

عن سمرة بن جندب رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ مـا یکثر أن يقول لأصحابه: هل رأى أحد منكم مـن رؤی؟ فیقص علیه من شاء الله أن یقص، وأنه قال لنا ذات غـداة: إنه أتاني اللیلة آتیان، وإنيهما قالَا لی: انطلق، وإني انطلقت معهما، وإنا أتینا علی رجل مضطجع، وإذا آخر قائم علیه بصخرة، وإذا هو یهوی بالصخرة لرأسه، فیثبـغ رأسه، فیتدهده الحجر هاهنا، فیتبع الحجر فباخذه، فلا یرجع إليه حتی یصبح رأسه كما كان، ثم یعود علیه فیفعل به مثل ما فعل المرة الأولى، قال: فلت لهما: سبحان الله! ما هذان؟ قالَا لی: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتینا علی رجل مستلق لفـه، وإذا آخر قائم علیه بکلوب من حديد، وإذا هو یأتي أحد شـمـي وجهه، فیشترش شـدفه إلى فـفاه، ومنخره إلى فـفاه، وعینه إلى فـفاه، ثم یتحول إلى الجانب الآخر فیفعل به مثل مـا فعلـ بالجانب الأول، فما یفرغ من ذلك الجانب حتی یصبح ذلك الجانب كما كان، ثم یعود علیه، فیفعل مثل ما فعل فی المرة الأولى، قال: فلت: سبحان الله! ما هذان؟ قالَا لی: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتینا علی مثل التنور، فأحسب أنه قال: فإذا فیه لغط وأصوات، فاطلعنا فیه فإذا فیه رجـال

قبر: عذاب و خوشی آن

ونساء عراة، وإذا هم يأتيهم لهب من أسفل منهم، فإذا أتاهم ذلك الלהب ضوضوا، قلت: ما هـ - هؤلاء؟ فـ - ألا لي: انطلق - ق انطلق، فانطلقنا فأتينا على ر - حسبت أنه كان يقول: أحم - ر مثل الدم، وإذا في النهر رجل ساج يسبح، وإذا على شـ - ط النهر رجل قد جمع عنده حجارة كثيرة، وإذا ذلك الـ - ساج يسبح ما يسبح ثم يأتي ذلك الذي قد جمع عنده الحجـ - ارة، فيفغر له فاه فيلقمه حجراً، فينطلق فيسبح، ثم يرجع إليه - ه، كلما رجع إليه فغر له فاه فآلقمه حجراً، قلت لهما: ما هذان؟ فـ - لا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على رجل كربه امرأة، أو كأكره ما أنت راء رجلاً مرأى، فإذا هو عنده نار بحشها ويسعى حولها، قلت لهما: ما هذا؟ فـ - لا لي: انطلق - ق انطلق، فانطلقنا فأتينا على روضة معتمة فيها من كل نور الربـ - ع، وإذا بين ظهري الروضة رجل طويل، لا أكـ - اد أرى رأسه - ه طولا في السماء، وإذا حول الرجل من أكثر واـ - دان، مـ - ا رأيتهم قط، قلت: ما هذا؟ وما هؤلاء؟ فـ - لا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا إلى روضة عظيمة لم أر دوحه قط أعظم منـ - ها ولا أحسن، فـ - لا لي: ارق فيها، فارتقينا فيها إلى مدينة مـ - نى بلين ذهب ولبن فضة، فأتينا باب المدينة فاستفتحنا، ففتح لنا فدخلناها، فلتقانا رجال شطر من خلقهم كأحسن ما أـ - ت راء، وشطر منهم كأفبح ما أنت راء، فـ - لا لهم: اذهبوا ففعلوا في ذلك النهر، وإذا هو ر - معترض يجري كان ماءه الـ - ض في البياض، فذهبوا فوقعوا فيه، ثم رجعوا إلينا فد ذهب ذلك

قبر: عذاب و خوشی آن

السوء عنهم، فصاروا في أحسن صورة، قال: فالألي: هـ- هذه جنة عدن، وهذاك من- ذلك، فسمما بصري صعداً، فإذا فصر مثل الربابة البيضاء، فالألي: هذاك من- ذلك، فلي-ت لهم-ا: برك الله فيكما، فذراي فأدخله، فالألي: أما الآن فلا، وأ-ت داخله، فلي-ت لهما: فإني رأيت منذ الليلة عجباً! فما هذا الذي رأيت؟ فالألي: أما إنا سنخبرك: أما الرجل الأول الذي أتيت عليه يثلق رأسه بالحجر، فإنه الرجل يأخذ القرآن فيرف-ضنه، وينام عن الصلاة المكتوبة، وأما الرجل الذي أتيت عليه-ه بشرشر شذفه إلى ففاه، ومنخره إلى ففاه، وعينه إلى ففاه، فإنه الرجل يغدو من بيته فيكذب الكذبة تب-غ الآ-اق، وأم-ا الرجال والنساء العراة الذين هم في مثل بناء التنور، ف-إنهم الزناة والزواني، وأما الرجل الذي أتيت عليه يسبح في النهر ويلقم الحجارة فإنه أكل الربا، وأما الرجل الكر-ه-ه الله-رأه الذي عند النار يحشها ويسعى حولها، فإنه مالك خازن جهنم، وأما الرجل الطويل الذي في الروضة، فإنه إ-راهم، وأم-ا الولدان الذين حولهم، فكل مولود مات على الفطرة)).

وفي رواية البرقاني: ((ولد على الفطرة))، فف-ال بع-ض المسلمين: يا رسول الله: وأولاد المشركين؟ فقال رس-ول الله ﷺ: وأولاد المشركين، وأما القوم الذين كانوا شطرن من-هم حسن وشطرن منهم فيبح، فإنهم قوم خلطوا عم-لا ص-الحاً وآخر سيئاً تجاوز الله عنهم)). [البخاري].

وفي رواية له: ((رأيت الليلة رجلين أتياي فأخرج-اني إلى

قبر: عذاب و خوشی آن

ارض المقدسة، ثم ذكره وقال: فانطلقنا إلى نعب مثل التنور،
أعلاه ضيق وأسفله واسع، يتوفد تحته ناراً، فإذا ارتفعت
ارتفعوا حتى كادوا أن يخرجوا، وإذا خمدت رجعوا فيها،
وفيها رجال ونساء عراة، وفيها: حتى أتينا على ر من دم -
ولم يشك - فيه رجل قائم على وسط النهر، وعلى شاطئ
النهر رجل، وبين يديه حجارة، فأقبل الرجل الذي في النهر،
فإذا أراد أن يخرج رمى الرجل بحجر في فيه، فـرده حيث
كان، فجعل كلما جاء ليخرج جعل يرمي في فيه بحجر،
فيرجع كما كان، وفيها: فصعدا بي الشجرة فأدخلاني داراً لم
أر قط أحسن منها، فيها رجال شبوخ وشباب، وفيها: الذي
رأيت به شيق شدفه فكذاب يحدث بالكذبة، فتحمل عنه حتى
تبلغ الآفاق، فيفعل به إلى يوم القيامة، وفيها: الذي رأيت به
يشدخ رأسه فرجل علمه الله القرآن، فنام عنه بالليل، ولم
يعمل فيه بالنهار، فيفعل به إلى يوم القيامة، والدار الأولى التي
دخلت، دار عامة المؤمنين، وأما هذه الدار فدار الشهداء،
وأنا جبريل، وهذا ميكائيل، فأرفع رأسك، فرفعت رأسي فإذا
فوقي مثل السحاب، قالاً: ذاك منـزلك، فـلت: دءـأي
أدخل منـزلي، قالاً: إنه بقي لك عمر لم تـستكمله، فـلو
استكملته أتيت منـزلك. [البخاري نقل عـن رـاض
الصالحين، باب تحريم الكذب].

از سمرة بن جندب رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله
زیاد از اصحاب و یاران می پرسیدند: آیا یکی از شما خواب و

قبر: عذاب و خوشی آن

خیالی را در وقت خوابیدن ندیده؟ پس هر کس خواب را
آنچه در خواب دیده برایش حکایت کند، و یکی از روزها
به ما گفت: دیشب دو نفر بر من وارد شدند و به من گفتند:
با ما بیا، من هم با آ آ رفتم، تا اینکه بر مردی که خوابیده
وارد شدیم، و مرد دیگری تخته سنگی را در دست دارد و
بطرف سرش پرتاب کرده سرش را شکسته و زخمی می‌کند،
و تخته سنگ می‌غلطد و از او دور می‌شود، وی دنباله آن
رفته، تخته سنگ را می‌گیرد، و وقتی بطرف آن مرد باز
می‌گردد زخم و شکستگی او خوب شده و به صورت اولش
باز می‌گردد، پس بار دیگر تخته سنگ را بطرف سر مرد
پرتاب کرده و مرد را شکسته و زخمی می‌کند، فرمود: به
آ آ گفتم: سبحان الله! این دو چه کسی هستند؟ جواب
دادند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آ آ رفتم تا اینکه بر مردی
آمدیم که با پشت خود خوابیده و مرد دیگری با قلاب آهنی
پیر سر او ایستاده و طرفی از صورت، و بینی، و چشم او را با
آن قلاب آهنی بطرف زمین می‌کشد، سه-پس بطرف دوم
می‌رود و آنرا نیز به همین حالت بطرف زمین می‌کشد، و
هنوز طرف دوم را بطرف زمین نکشیده که می‌بیند طرف
اول از آن زخمها خوب شده، و همین کار را انجام می‌دهد،
فرمود: گفتم: سبحان الله! اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: با
ما بیا، با ما بیا، پس با آ آ رفتم تا اینکه به جایی مثل تنه در
رسیدیم - راوی حدیث می‌گوید - فکر می‌کنم گفت: پس

قبر: عذاب و خوشی آن

دیدم که صدای غوغائی از تنور برپاست، وقتی داخل آن نگاه کردیم دیدم مردان و زنانی لخت و برهنه از لبه اس در آن هستند، و شعله آتش از پایین آ آ زبانه می‌کشد، و وقتی آتش به آ آ می‌رسد فریاد و نعره می‌کشند، گفتم: اینجا چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آ آ رفتم تا اینکه به رودخانه ای رسیدیم - راوی حدیث می‌گوید - فکر کنم فرمود: رودخانه همانند خون سرخ بود، و مردی را دیدم که در رودخانه شنا می‌کند، و بر ساحل آن مرد دیگری است که نزد خود سنگلاخهای زیادی جمع کرده، و آن مردی که در رودخانه شنا می‌کند بعد از شنا بطرف مردی که بر ساحل آن است می‌آید و مرد شناگر دهان خود را بطرف مردیکه در ساحل است باز کرده و آن مرد سنگی در دهانش می‌اندازد، و مرد شناگر برگشته به شنای خود ادامه می‌دهد، سپس بار دیگر بطرف ساحل برمی‌گردد و دهانش را باز می‌کند و مرد دومی سه سنگی را در دهانش می‌اندازد، و همین کار را ادامه می‌دهد، پس گفتم: اینجا چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آ آ رفتم تا اینکه به مردی زشت و بد منظر مانند زشت‌ترین مردی که پیدا شود رسیدیم، و نزد او آتشی بود که آنرا روشن می‌کرد و دور آن می‌گشت، به آ آ گفتم: این مرد چه کسی است؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آ آ رفتم تا اینکه به بستانی پر از درخت رسیدیم که در آن از تمامی گلهای اری وجود

قبر: عذاب و خوشی آن

دارد، و در بین این بستان مردی است بلند قامت، و از بلندی او سرش در آسمان پیدا نمی‌شود، و گرداگرد او بچه‌ه‌ای خیلی زیادی هستند که از زیادی این بچه‌ها همچنین ندیده‌ام، گفتم: این مرد چه کسی است؟ و این بچه‌ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آ‌ا رفتم تا اینکه به بوستانی بزرگ که در آن درختانی خیلی بلندی بود رسیدیم، چنین درختهای بلند و زیبایی ندیده بودم، به م-ن گفتند: بالای بوستان برو، پس رفتم بالا به شهری رسیدیم که به بالا خشتهای طلا و نقره ساخته شده بود، و به این شهر آمدیم و در آنرا زدیم، در باز شد و داخل شدیم و دیدیم مردانی هستند که نیمه او بدنشان مانند ترین چیزی که دیدی، و نیمه‌ی دیگر مانند بدترین و زشتترین چیزی که تو دیدی، به آن مردها گفتند: بروید خود را در آن رود بیاندازید، و رودی دیدم دراز و جاری، و آب آن همانند شیر سفید بود، پس رفتند و خود را در آن رود انداختند، و وقتی برگشتند آن پدی و زشتی از آ‌ا رفته و به شکل خیلی خوشگل و زیبا در آمده بودند.

فرمود: به من گفتند: این شت و جنات عدن است، و آ‌م من-زل و خانه تو است، پس چشمم را بلند کردم قصری را همانند ابرهای سفید دیدم، به م-ن گفتند: این من-زل و خانه تو است، فرمود: به آ‌ا گفتم: یا رب الله فیکما (خدا شما را برکت دهد) بگذارید داخل آن شوم،

قبر: عذاب و خوشی آن

گفتند: اما الآن نه، ولی روز قیامت در آن داخل خواهی شد، فرمود: به آ آ گفتم حقیقتاً که دیشب چیزهای عجیبی را دیدم، پس آن چه بود که دیدم؟ گفتند: از آ آ تو را با خ-بر خواهیم کرد .

اما مرد اولی که بر آن وارد شدی و یکی سه-رش را ب-ا سنگ می-شکست، او مردی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده ولی قبول نمی-کند و آن را مرفوض و مردود می-داند، و از نمازهای پنجگانه می-خوابد و آنرا بجا نمی-آورد .

و مردی که بر او وارد شدی و م-رد دیگ-ری ط-رف صورت، و بینی، و چشمش را با قلاب آهنی بط-رف زم-ین می-کشید او مردی است که وقتی از خانه اش بیرون می-رود دروغ می-گوید و این دروغش به افق، یعنی: ب-ه ه-ه ج-ا می-رسد، ولی مردان و زنانیکه در تنور برهنه و لخت بودند-د آ آ زناکاران و بی-عفتان هستند، و مردی که شنا می-کرد و دیگری سنگی در دهانش می-انداخت او کسی است که ربا و سود حرام می-خورد، و مرد زشت و بد منظر ک-ه آ-ش روشن می-کرد و اطراف آن می-گشت، او مالک خ-ازن و خزانه دار جهنم است، و مرد بلند قامت که در بوستان دیدی او ابراهیم علیه السلام است، و بچه ها که دور او جمع بودند، ه-ر بچه ای که بر فطرت الهی از دنیا می-رود، - در روایت دیگر - هر بچه و مولودی که بر فطرت الهی بدینا آمده، بعضی از مسلمانان از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: بر اولاد مشرکین چ-ه

قبر: عذاب و خوشی آن

می‌شود؟ فرمود: همچنین اولاد مشرکین که بر فطرت از دنیا می‌روند با آن خواهند بود. و اما کسانی که نیمی از آن خوب و نیمی دیگر زشت بودند، آن کسانی هستند که عمل صالح و نیک را با عمل بد با هم مخلوط کرده اند و باری تعالی از آن - آ - ت - ا - و ز و ع - و فرمودند .

و در روایت دیگر است: پس به جایی که مانند تنور بود رسیدیم، که بالای آن تنگ و پایین آن وسیع بود، و زیر آن آتش برپا بود، وقتی آتش زبانه کشیده و بالا آمد آئیکه در آن هستند همراه شعله آتش بالا می‌آیند تا اینکه نزدیک است از آن خارج شوند، و وقتی شعله آن پایین رفت همراه آن به پایین می‌روند، و در آن مردان و زنان لخت و برهنه هستند . و در روایت دیگر آمده که: تا اینکه بر رودی از خون رسیدیم - در اینجا راوی حدیث شك نکرد - و مردی در وسط رود ایستاده، و بر ساحل رود مرد دیگری ایستاده و سنگلاخهای زیادی نزد اوست، و وقتی مردی که در داخل رود است خواست بیرون رود او سنگ در دهانش پرتاب می‌کند و نمی‌گذارد از رود خارج شود و آن مرد برمی‌گردد و به شنای خود ادامه می‌دهد، و همین کار را همچنان انجام می‌دهد .

و در روایت دیگر است که: مرا به بالای درختی بردند و داخل خانه ای کردند، چنین خانه ای از خون و بی آن ندیده

قبر: عذاب و خوشی آن

بودم، و در آن مردان پیر و جوان بودند .
و در روایت دیگر است: آنکه دیدم صورتش را بط-رف
زمین می‌کشید فرد دروغگو است که-ه دروغ می‌گوید-د و
دروغ او به آفاق می‌رسد، و تا روز قیامت با او چنین رفتار
می‌شود .

و در روایت دیگر: آن مردی که سه-رش می‌شک-ست
کسی است که خداوند به او قرآن یاد داده و او از نماز سنت
شب خوابیده، و در روز به آن قرآن عمل نکرده است .
و خانهٔ اولی که داخل شدی خانهٔ تمامی مؤمنان است، و
اما خانهٔ دومی خانهٔ شهداء است، و من جبریل هستم و این
که همراه من است میکائیل است، و سرت را بلند کن، سرم
را بلند کردم بالای سرم همانند ابری را دیدم، گفتم-د آن
من-زل تو است، گفتم: بگذارید داخل من-زلم شوم، گفتید:
هنوز عمر تو باقی است، وقتی عمرت پایان رسید داخل آن
خواهی شد .

فصل پنجم:

از گناهانی که گناهکاران در قبرشان بخاطر آن عذاب می‌بینند

۱ - عذاب کسیکه قرآن را حفظ کرده و بعد از آن را مردود دانسته و قبول نمی‌کند، و خوابیدن از نمازهای فرض پنجگانه: که قبلاً آنرا در حدیث سمره بن جندب در ص () و ترجمه آن در ص () ذکر کردیم که در حدیث آمده بود: ما بر مردی وارد شدیم که خوابیده بود و دیگری با تخته سنگی بالای سر او ایستاده است، و آن تخته سنگ را بطرف سر آن مردی که خوابیده پرتاب می‌کند و سرش را می‌شکند، و سنگ غلطیده به کناری می‌افتد و مرد دوم بی بطرف تخته سنگ رفته و آنرا گرفته به برمی‌گرداند و وقتی برگشت سر مرد اولی از زخم و شکستگی خوب شده است، و همچنین این کار را انجام می‌دهد، سه‌پس در آخر حدیث فرشتگان اینرا به رسول الله ﷺ گفتند که: او شخصی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده سه‌پس از قرآن قبول نمی‌کند، و هنگام نمازهای فرض و پنجگانه می‌خوابد - و در روایتی است که: این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود.

۲ - عذاب دروغگو:

در حدیث سمره بن جندب رضی الله عنه آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله

قبر: عذاب و خوشی آن

فرمود: رفتیم تا اینکه به مردی رسیدیم که به پشت خوابیده و دیگری بالای سرش ایستاده و قلاب آهنی در دست داشت، و با آن قلاب طرفی از صورت، و بینی، و چشم آن مرد را بطرف زمین می‌گشود، سپس بطرف دوم او رفته و همین کار را انجام می‌دهد، و هنوز از طرف دوم او تمام نشده که طرف اول او خوب می‌شود، و همین کار را تکرار می‌کند، و در آخر حدیث آمد که: این شخص دروغگو است که وقتی از خانه اش بیرون می‌رود دروغ می‌گوید و آن دروغ به آفتاب دنیا می‌رسد، و در روایتی است - که این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود.

۳ - عذاب مردان و زنان زناکار و بی‌عفت:

در حدیث سابق آمده که رسول اکرم ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به چیزی مانند تنور و کوره آتشی رسیدیم، و از آن صدای غوغائی می‌آمد، و وقتی در آن نگاه کردیم زن - آن و مردان لخت و برهنه را دیدیم که از پایین آ - آتش زبان - ه می‌گشود، و وقتی آتش به آ رسید نعره و فریاد می‌گشود، و در آخر حدیث آمده که: اینها مردان و زنان زناکار - ار و بی‌عفت هستند.

۴ - عذاب زباخواری و سود حرام:

همچنین در حدیث سابق ذکر شد که رسول اکرم ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به رودخانه‌ای رسیدیم، راوی حدیث می‌گوید: فکر کنم فرمود: رنگ آن همانند خون سرخ بود،

قبر: عذاب و خوشی آن

و در آن رودخانه شناگری بود که شنا می‌کرد، و بر ساحل آن رود مرد دیگری بود که سنگلاخهای زیادی نزد خود جمع کرده و آن شناگر شنا کرده سپس بطرف ساحل آمده، و آن مرد دومی سنگی در دهان او پرتاب می‌کند، سه-پس برگشته و شنا می‌کند، و این عمل را تکرار می‌کند، و در آخر حدیث آمد که این شخصی است که ربا و سود ح-رام می‌خورد .

۵ - عذاب کسیکه ادرار و پیشاب خود را تمیز و پاک نمی‌کند .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «**عامه عذاب القبر م-ن البول**» . [النسائی وصحیح الجامع ۱۸۹۳] .

بیشتر عذاب قبر از ادرار و شاش انسان است، یعنی: کسیکه ادرار و شاش خود را تمیز نمی‌کند .

۶ - زیاد شدن عذاب کافر در قبرش با گریه که کردن خانواده و خویشاوندان برای او .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «**إن الله یزید الکافر عذاباً ببعض بکاء أهله علیه**» . [متفق علیه] .

وقتی اهل و خویشان کافر برای او گریه می‌کنند خداوند عذاب کافر را می‌افزاید .

۷ - مرده در قبر بسبب گریه و زاری و شیون صدای بلند عذاب داده می‌شود .

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «**الیت یعذب فی قبره بما ن-یح**

قبر: عذاب و خوشی آن

علیه». [مسند الفردوس، صحیح الجامع ۱۲۱۸].

مرده بسبب گریه و زاری و شیون بلند در قبرش عذاب داده می‌شود. [ولی اگر شخص مـ. رده در زنـ. دگی خـ. ود وصیت کرد که برای او گریه و زاری نکنند، عذاب نخواهد دید، - والله أعلم - مراجعه شود به کتاب (احکام الجنائن) نوشته‌ی الشیخ الألبانی ص ۲۸ - ۲۹].

۸ - مرده در قبر بسبب بعضی از کلماتی که خـ. انواده اش در باره او می‌گویند عذاب داده می‌شود.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((ما من میت يموت في يوم باكيهم فيقول: واجبله، واسداه، او نحو هذا إلا وگل به ملكان يلهرانه: اهكذا كنت)). [الترمذي، صحیح الجامع ۵۶۶۴، صحیح الترغیب والترهیب].

هیچ مرده ای فوت نمی‌کند و خـ. انواده و کـ. سانی که برایش گریه می‌کنند و می‌گویند: وای بر این کوه بزرگ که از بین ما رفت، وای بر این مردی که همانند ندارد، مگر اینکه باری تعالی دو فرشته بر او موگل و مسلط می‌کند و او را تکان و حرکت می‌دهند و اذیت می‌کنند و می‌گویند: ایـ. تو چنین بودی؟

۹ - عذاب کسیکه سخن چینی می‌کند.

از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ از کنار دو قبر گذشتند و فرمودند: ((إنهم - يعذبان، وما يعذبان في كبر، بلى إنه كبر، أما أحدهما فكان

قبر: عذاب و خوشی آن

مِثْلِي بِالنَّمِيمَةِ، وَأَمَّا الْآخِرُ فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ» . [متفق عليه] .

صاحب این دو قبر عذاب می بینند، ولی سبب عذاب -شان چیز بزرگی نیست، بلی بزرگ است، اما یکی از آنها سخن چینی می کرد، و دیگری خود را از ادرار و پید-شاب تمیز نمی کرد .

فصل ششم
پیامبران علیهم السلام و زندگی برزخ

۱ - خداوند فرشته ای نزد قبر پیامبر ﷺ وکیل فرار داده است تا رسول اکرم ﷺ را خبر دهد که چه کسی بی - ر او درود می فرستد، و نام شخصی را که بر پیامبر خدا ﷺ درود می فرستد ذکر کند .

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «أَكثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ، فَإِنَّ اللَّهَ وَكَلَّ بِمَلَكٍ عِنْدَ فَبَرِي، فَإِذَا صَلَّى عَلَيَّ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي، قَالَ لِي ذَلِكَ الْمَلِكُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا صَلَّى عَلَيَّ - لَكَ السَّاعَةَ» . [مسند الفردوس، صحيح الجامع ۱۲۱۸] .

بسیار و خیلی زیاد بر من درود و صلوات بفرستید، چون خداوند متعال فرشته ای را نزد قبر من معین کرده؛ وقتی یکی از مردان امت من بر من درود و صلوات فرستاد آن فرشته به من می گوید: ای محمد فلانی فرزند فلانی در این ساعت بر تو درود و صلوات فرستاد .

و همچنین می فرماید: «أَكثَرُوا إِلَيَّ صَلَاةً عَلَيَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ يَصَلِّي عَلَيَّ أَحَدٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا عَرَضَتْ عَلَيَّ صَلَاتُهُ» . [صحيح الجامع ۱۲۱۹] .

روز جمعه بر من درود بسیار بفرستید، زیرا هر کس در روز جمعه بر من درود بفرستد، درود او بی - ر من عرضه

می‌شود.

۲ - زمین اجساد انبیاء و پیامبران را نمی‌خورد .
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ أُمَّمِكُمْ يَوْمَ
الْجُمُعَةِ، فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ قُبُضَ، وَفِيهِ النِّفْخَةُ، وَفِيهِ
الصَّعْقَةُ، فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ
عَلَيَّ، إِنْ أَلَّهِ حَرَمٌ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ» .
[ابوداود، وابن ماجه، وصحيح الجامع ۲۲۰۸] .

ترین روزهای شما روز جمعه است، در آن روز خداوند
آدم عليه السلام را آفرید، و در روز جمعه فوت گـرد، و در روز
جمعه فرشته در بوق (شیپور) می‌دمد، و در این روز صـعقه،
یعنی: مردن تمامی انسانها خواهد بود، پس در این روز بر من
درود و صلواتی بسیار بفرستید، چون درود و صلوات شما بر
من عرضه خواهد شد، و خداوند متعال خوردن جسد انبیاء
را بر زمین حرام کرده است .

۳ - پیامبران در قبرهایشان زنده هستند .
۴ - نماز پیامبران علیهم السلام در قبرهایشان .
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءُ فِي قُبُورِهِمْ
يُصَلُّونَ» . [صحيح الجامع ۲۷۸۷] .

پیامبران در قبرهایشان زنده هستند و نماز می‌خوانند .
و فرمودند: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلَيَّ مُوسَى فَأَمَّا
يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ» . [مسلم وغيره] .
شب اسراء از کنار حضرت موسی گذشتم او در قـبرش

قبر: عذاب و خوشی آن

ایستاده بود و نماز می‌خواند . ملاقات رسول اکرم ﷺ با آدم و یحیی و عیسی و یوسف و ادریس و هارون و موسی و ابراهیم علیهم السلام . گریه کردن موسی علیه السلام در برزخ بخاطر اینکه محمد ﷺ از او تر است و بر او برتری دارد . نصیحت حضرت موسی علیه السلام به رسول الله ﷺ تا اینکه ه از خداوند در نمازهایی که بر بندگان خود فرض کرده است تخفیف بطلبد .

[زیرا نمازهای پنجگانه، پنجاه رکعت بود که خداوند متعال با درخواست رسول اکرم ﷺ آنرا به هیفده رکعت در هر شبانه روز تخفیف داد، ولی ثواب آن همان پنجاه رکعت می‌باشد].

عن مالك بن صعصعة رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ أنه قال: ((بينما أنا في الحميم مضطجعا، إذ أتاني آتٍ فقد ما بين هذه إلى هذه فاستخرج قلبي، ثم أتيت بطستٍ من ذهبٍ مملوءة إيماناً، فغسل قلبي بماء زمزم، ثم حشي، ثم أعيد، ثم أتيت بدابة دون البغل وفوق الحمار أبيض، يقال له البراق، يضع خطوة عند أقصى طرفه، فحملت عليه، فانطلق بي جبريل حتى أتى السماء الدنيا، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، فيـل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وفد أرسل إليه؟ قال: نعم، فيـل: مرحباً به، فنعم اليه جاء، ففتح، فلما خلصت وـإذا فيها آدم، فقال: هذا أبوك آدم، فسلم عليه، فسلمت عليه،

قبر: عذاب و خوشی آن

فرد السلام، ثم قال: مرحباً بالنبي الصالح، والابن الصالح .
ثم صعد بي حتى أتى السماء الثانية، فاستفتح، فقيل: من
هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وفد
أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله جاء ففتح،
فلما خلصت إذا يحيى وعيسى، وهما أبناء الخالة، قال: هـ-ذا
يحيى وعيسى، فسلم عليهما، فسلمت، فردا، ثم قال: مرحباً
بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

ثم صعد بي إلى السماء الثالثة، فاستفتح، قيل: من هـ-ذا؟
قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وفد أرسل
إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله جاء، ففتح، فلما
خلصت إذا بيوسف، قال: هذا يوسف، فسلم عليه، فسلمت
عليه، فرد، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

ثم صعد بي حتى أتى السماء الرابعة، فاستفتح، قيل: م-ن
هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك، قال: محمد، قيل: وفد
أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله جاء، ففتح،
فلما خلصت إذا إدريس، قال: هذا إدريس، فسلم
عليه، فسلمت، فرد، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي
الصالح .

ثم صعد بي السماء الخامسة، فاستفتح، قيل: من هـ-ذا؟
قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وفد أرسل
إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله جاء، فلم
خلصت إلى هارون، قال: هذا هارون، فسلم عليه، فسلمت،

قبر: عذاب و خوشی آن

عليه، فرد، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح .
ثم صعد بي إلى السماء السادسة، فاستفتح، قيل: من هذا؟
قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل
إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله به، جاءه، فلمّا
خلصت فإذا موسى، قال: هذا موسى، فسلم عليه، فسلمت
عليه، فرد، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح، فلما
تجاوزت بكى، قيل له: ما يبكيك؟ قال: أبكي لأن غلاماً بعث
بعدي يدخل الجنة من أمته أكثر من يدخل من أمتي .

ثم صعد بي إلى السماء السابعة، فاستفتح، قيل: من هذا؟
قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد بعث
إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الله به، جاءه، فلمّا
خلصت إذا إبراهيم، قال: هذا أبوك إبراهيم، فسلم عليه،
فسلمت عليه، فرد السلام، فقال: مرحباً بـالابن الصالح،
والنبي الصالح .

ثم رفعت لي سدرة المنتهى، فإذا نيفها مثل فلان هجر،
وإذا ورفها مثل أذان الفيلة، قال: هذه سدرة المنتهى، وإذا
أربعة أمار، ران باطنان، و ران ظاهران، قلت: ما هذان يا
جبريل؟ قال: أما الباطنان فنهران في الجنة، وأما الظاهران
فالنيل والفرات .

ثم رفع لي البيت المعمور، فقلت: يا جبريل: ما هذا؟ قال:
هذا البيت المعمور، يدخله كل يوم سبعون ألف ملك، إذا
خرجوا منه لم يعودوا إليه آخر ما عليهم، ثم أتيت بإناء مـن

قبر: عذاب و خوشی آن

خمر، وإناء من لبن، وإناء من عسل، فأخذت اللبن، فقال: هي الفطرة التي أنت عليها وأمتك .

ثم فرض على خمسون صلاة كل يوم، فرجعت فمـررت على موسى، فقال: لم أمرت؟ قلت: أمرت بخمسين صلاة كل يوم، قال: إن أمتك لا تستطيع خمسين صلاة كل يوم، وإني والله قد جريت الناس قبلك، وعالجت بني إسرائيل أشد المعالجة، فارجع إلى ربك فسله التخفيف لأمتك، فرجعت، فوضع عني عشراً، فرجعت إلى موسى، فقال مثله، فوضع عني عشراً، فرجعت إلى موسى، فقال مثله، فرجعت فوضع عني عشراً، فرجعت إلى موسى، فقال مثله، فرجعت فوضع عني عشراً، فرجعت إلى موسى، فقال مثله، فرجعت فأمرت بخمس صلوات كل يوم، فرجعت إلى موسى، فقال: لم أمرت؟ قلت: بخمس صلوات كل يوم، فقال: إن أمتك لا تستطيع خمس صلوات كل يوم، وإني قد جريت الناس قبلك، وعالجت بني إسرائيل أشد المعالجة، فارجع إلى ربك فسله التخفيف لأمتك، قلت: سألت ربّي حتى استجيت منه، ولكن أرضى وأسلم، فلما جاوزت ناداني منـادي أمـضيت فريضتي وخففت عن عبـادي)) . [متفق عليه، وأحمد والنسائي] .

از مالک بن صعصعه رضی اللہ عنہ روایت است کہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: در حالیکه زیر سایه دیوار کعبه پر لموی خود خوابیده بودم، ولی در خواب نبودم، فرشته ای آمد و سینه ام

قبر: عذاب و خوشی آن

را شکافت و قلم را بیرون آورد، و طشت طلایی که در آن پر از ایمان بود آورده شد، پس قلم را با آب زمزم شست. شو داده پر از ایمان کرد، و آنرا بسینه ام برگرداند، سپس حیوانی سفید رنگ کوچکتر از قاطر و بزرگتر از خر (الاغ) که که آنرا براق می‌نامند آورده شد، هر گامی که بر می‌داشت اندازه آن تا چشم می‌بیند با هم فاصله داشت، بر آن سوار شدم و جبریل مرا برد تا اینکه به آسمان دنیاء رسیدیم، و از دربان خواست تا در را باز کند، آنان گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: من جبریل هستم، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث و فرستاده شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، پس در را باز کردند، وقتی بالا رفتم آدم عليه السلام را دیدم، جبریل گفت: این پدر تو آدم است، به او سلام کن، به او سلام کردم، و جواب سلامم را داد، سپس گفت: ای پیامبر صالح و فرزندی نیک خوش آمدی.

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان دوم رسیدیم، و از آنان خواست تا در را باز کنند، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، و در را باز کردند، وقتی بالا رفتم، یحیی و عیسی دو پسر خاله را دیدم، گفت: این یحیی و عیسی هستند، بر آلاء سلام کن، بر آلاء سلام کردم، و جواب

قبر: عذاب و خوشی آن

سلامم را دادند، سپس گفتند: برادر نیکوکار و پیامبر ص - الح خوش آمدی .

سپس مرا بطرف آسمان سوم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم، یوسف را دیدم، گفت: ای - ن یوسف است، بر او سلام کن، پس بر او سلام کردم، جواب سلامم را داد، و گفت: برادر نیکوکار و پیامبر صالح خ - خوش آمدی .

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان چهارم رسیدیم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا - مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ادریس را دیدم، گفت: این ادریس است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نیکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان پنجم رسیدیم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا - مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی

قبر: عذاب و خوشی آن

است که آمد، و وقتی بطرف هارون رفتم، گفت: این هارون است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر ص-الح خ-وش آمدی .

سپس مرا بطرف آسمان ششم بالا برد، و طلب یاز ک-ردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم موسی را دیدم، گفت: ای-ن موسی است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پی-امبر ص-الح خوش آمدی .

و وقتی از او عبور کرده و گذشتم، گریه کرد، گفتند: چه چیز تو را به گریه انداخت؟ گفت: گریه می-کنم زیرا پیامبری بعد از من مبعوث شده که از امت و پیروان او بیشتر از امت و پیروان من داخل بهشت خواهند شد .

سپس مرا بطرف آسمان هفتم بالا برد، و طلب یاز ک-ردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، ترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ابراهیم را دیدم، گفت: این پدر تو ابراهیم است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او

قبر: عذاب و خوشی آن

جواب سلام را داد، و گفت: فرزند نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

پس بر من سدره المنتهی (یعنی: درخت گنار) بشت کشف و آشکار شد، و ثمره آنرا دیدم که مانند کوزه آب است که در شهر هجر (یکی از شهرهای نزدیکی مدینه - منوره)، وجود دارد، یعنی بزرگ و برگه - ای آن از بزرگی - ی مانند گوشهای فیل است، گفت: این سدره المنتهی است، و چهار رودخانه را دیدم، دو رودخانه مخفی، و دو رودخانه آشکار و ظاهر بود، گفتم: ای جبریل؟ این دو چیست؟ گفت: ام - ا دو رود مخفی، دو رود در جنت است، و ایا دو رود آشکار و ظاهر، دو رود نیل و فرات است، یعنی: آنکه در - بشت می باشد .

سپس بر من بیت المعمور آشکار شد، یعنی: خانه معمور، گفتم: ای جبریل این چیست؟ گفت: این بیت المعمور است (یعنی: خانه ای که خداوند در آن همه چیزهاییکه در دنیا رخ خواهد داد نوشته است)، و در هر روز هفتاد هزار فرشته داخل آن می شوند و وقتی خارج شدند دوباره به آن باز خواهند گشت .

سپس ظرفی از شراب، یعنی: عرق، و ظرفی از شیر، و ظرفی از عسل برایم آوردند، ظرف شیر را برداشتم، جبریل گفت: این فطرتی است که تو و امت تو بر آن هستید .

سپس بر من پنجاه نماز در هر شبانه روز فرض شد، و در

قبر: عذاب و خوشی آن

حال برگشتن به زمین از کنار موسی علیه السلام گذشتم، موسی گفت: چه دستوری بتو داده شده است؟ گفتم: دستور پنجاه نماز در هر شبانه روز به من داده شده است، موسی گفت: امت تو استطاعت پنجاه نماز را ندارند، و بخدا سوگند که مردم را قبل از تو شناخته ام، و بنی اسرائیل را خیلی خوب بررسی کرده ام، پس بسوی پروردگارت برگرد و تقاضا کن تا خداوند برای امت تو تخفیف دهد، من برگشتم، خداوند ده تایی آنرا کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفته قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم، و خداوند ده تایی دیگر آنرا کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفته قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تایی دیگر آن را کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، با دیگر حضرت موسی همان سخنش را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تایی دیگر را نیز کم کرد، و دستور ده نماز در شبانه روز به من داده شد، پس برگشتم، موسی باز همان سخن خود را تکرار کرد، من برگشتم و در شبانه روز به پنج نماز دستور داده شدم، بار دیگر بسوی موسی برگشتم، موسی گفت: بتو چه دستوری داده شده است؟ گفتم: خواندن پنج نماز در شبانه روز دستور داده شده ام، موسی گفت: امت تو استطاعت پنج نماز را ندارند، و من مردم را قبل از تو تجربه کرده ام، و بنی اسرائیل را خوب بررسی نموده ام، پس بسوی پروردگارت برگرد و برای امت

قبر: عذاب و خوشی آن

خود طلب تخفیف کن، گفتم: من آنقدر از خدا سؤال تخفیف کرده ام که از او حیا و شرم دارم، بی-بشتر از ای-ن س-سؤال نمی-کنم، به همین راضی و تسلیم هستم، هنگامی که از موسی گذشتم منادی مرا صدا زد و فرمود: فریضه هایم را تنفیذ و تمام کرده و برای بندگانم تخفیف دادم .

فصل هفتم:
آنچه مرده بعد از وفات از آن ثمره و ثواب و پاداش میبرد

- ۱ - نماز بر میت:
- رسول اکرم ﷺ میفرماید: «ما من میت یصلی علیه أمة من المسلمين یبلغون أن یكونوا مائة، فیشفعون له، إلا شفعا فیہ». [مسلم و غیره].
- هر مرده ای که گروهی از مسلمانان بر او نماز بخوانند - بطوریکه تعداد آن صد نفر برسد و برای او طلب شفاعت کنند، خداوند طلب شفاعت آن را میپذیرد.
- و همچنین فرمودند: «ما من میت یصلی علیه أمة من الناس إلا شفعا فیہ». [النسائی، وصحیح الجامع ۵۶۶۳]
- هر میتی که بر او جمعی از مردم نماز بخوانند، شفاعت آن در مورد او پذیرفته می شود.
- ۲ - انس و اُلفت گرفتن مرده به برادرش بعد از دفن، به اندازه کشتن شتری و تقسیم گوشت آن.
- و دلیل اینرا قبلاً در قول عمرو بن العاص رضی الله عنه ذکر کردیم که گفت: وقتی مرا دفن کردید دور فرم به آن - دازه ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود مکث کنید، تا

قبر: عذاب و خوشی آن

اینکه به شما انس بگیرم و بینم چگونه رسولان خدا، یه-بی: منکر و نکیر را جواب دهم .

۳ - بعد از دفن بلافاصله برای میت دعای مغفرت و تثبیت بکنیم، از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وقتی از دفن میت فارغ می شدند آنجا ایستاده و می فرمودند: **«استغفروا لأخیکم وسلوا له التثبیت، فإنه الآن یسأل»** . [ابوداود، وصحیح الجامع ۹۵۶] .

برای برادران استغفار کنید، و از باری تعالی ب- برای او تثبیت قول حق بطلبید، زیرا الآن از او سؤال خواهد شد .

۴ - صدقه جاریه ای که در زندگی خود وقتی در دنیا بوده انفاق کرده باشد، و علم و دانشی که به مردم یاد داده باشد، و فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **«إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریه، أو علم ینتفع به، أو ولد یدعوه له»** . [مسلم] .

وقتی انسان دنیا را وداع می گوید عمل او قطع می شود جز از سه چیز: صدقه جاریه، یا علم و دانشی که از آن نفع برده شود، و یا فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند .

۵ - صدقه ای که از طرف فرزند است .

از عایشه رضی الله عنها روایت است که مردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: **«إن أمی افتلنت نفسها ولا أراها لو تکلمت**

قبر: عذاب و خوشی آن

صدقت، فهل لها من أجر إن تصدقت عنها؟ قال: نعم. [متفق عليه].

مادرم فوت کرده و حرف نزده است، و فکر می‌کنم اگر حرف می‌زد صدقه می‌داد، اگر من برایش صدقه بکنم اجر و صدقه به او می‌رسد؟ فرمود: بلی.

۶ - دعا و استغفار کردن تمامی مسلمانان برای مـ رده، چنانکه باری تعالی می‌فرماید: **«وَالَّذِينَ جَاءُوا مِّنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ»**. [الحشر ۱].

[وآنانکه پس از مهاجرین و انصار آمدند- دایم در دعا بدرگاه خدا عرض می‌کنند: پروردگارا مـ ا و بـ رادران دینی‌مان را که در ایمان از ما سبقت گرفتند، بیامرز].

و رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: **«(مَنْ أَسَّيْتَغْفِرَ لِمَنْ وَثَّقَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مَوْءُودَةٍ وَثَّقَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مَوْءُودَةٍ وَثَّقَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مَوْءُودَةٍ)»**. [الطبرانی فی الکبیر، وصحیح الجامع ۵۹۰۲].

هر کس برای مؤمنان استغفار کند، خداوند برایش به تعداد زن و مرد مسلمان اجر و پاداش می‌نویسد.

زندگی در مرزهای اسلامی (سنگر) در راه خدا. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: **«كُلُّ مِيتٍ يَخْتَمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الْمُرَابِطَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يَنْمَى لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَبُؤْمِنُ فِتْنَةِ الْفِرِّ»**. [أبوداود، الترمذی].

هر میتی با مردنش عمل و کردار او پایان می‌یابد، بجز

قبر: عذاب و خوشی آن

مربط و کسی که در سنگر جهاد در راه خداست، که عمل و کردار او تا روز قیامت رشد و نمو کرده و زیاد می‌شود، و از فتنه و عذاب قبر نجات می‌یابد .

فصل هشتم:
آنچه سبب می‌شود تا از عذاب قبر نجات یابد

۱ - شهید شدن در میدان جنگ .
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((الشهيد عند الله سهل خصال: يغفر له في أول دفعة من دمه، ويري مفعده مـمن الجنة، ويجار من عذاب القبر، ويأمن الفزع الأكبر، ويحل في حلية الإيمان، ويروج من الحور العين، ويـشفع في سبعين إنساناً من أفراده)). [الترمذي، وابن ماجه، وأحمد، وأحكام الجنائز ص ۳۵ - ۳۶] .

شهید نزد خداوند شش ویژگی دارد: با اولین قطره خون او گناهانش بخشیده می‌شود، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند، از عذاب قبر نجات می‌یابد، از وحشت بزرگ قبر در امان است، به زیور ایمان آراسته می‌شود، با حور عین ازدواج داده می‌شود، شفاعت او در باره هفتاد تن از خویشاوندانش پذیرفته می‌شود .

و مردی از یاران پیامبر ﷺ روایت می‌کند که مردی به نزد رسول اکرم ﷺ آمد و گفت: چرا مؤمنان بر آنان فتنه می‌شود؟ فرمود: ((كفى ببارقة آلـسيف على رأسه فتنة)). [النسائي، وأحكام الجنائز ص ۳۶] .
برای آزمایش او برقهای شمشیری که بالای سر او بوده

قبر: عذاب و خوشی آن

کافی است .

۲ - مرزداري در سنگرهای جهاد:

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: **((رباط بوم وليلة خير من صيام شهر وقيامه، وإن مات فيه أجري عليه عمله الذي كان يعمل، وأجرى عليه رزقه، وأمن الفتان))** . [مسلم] .

سنگر گرفتن يك شبانه روز در راه خدا از روزه گـرفتن يكماه و زنده نگهداشتن شهبای آن تر است، و اگر كشته شد ثواب و اجر عملی كه انجام می‌داده و رزق او برایش تا روز قیامت نوشته می‌شود، و از عذاب قبر در امان بـوده و نجات خواهد یافت .

و همچنین می‌فرماید: **((كل ميت يختم على عمله إلا الرباط في سبيل الله، فإنه ينمي له عمله إلى يوم القيامة، ويؤمن فتنه القبر))** . [مسلم] .

هر مرده ای با مردن او عملش پايـان می‌یابد، بجز سنگردار و مرابط در راه خدا، بلکه عمل او تا روز قیامت زیاد و افزایش یافته، و از عذاب قبر نجات می‌یابد .

۳ - مردن بسبب مرض شکم:

از عبدالله بن یسار روایت است كه گفت: من با سلیمان بن صرد و خالد بن عرفة نشسته بودم، آيا گفتند: مـردی بسبب شكم درد فوت كرد، و فهمیدم كه ایـن دو نفر می‌خواهند در تشييع جنازه آنمرد شركت كنند، پس یکی از آيا بدیگری گفت: آيا رسول اکرم ﷺ فرمودند: **((من يفتله**

قبر: عذاب و خوشی آن

بطنه فلن يعذب في قبره؟ فقال الآخر: بلى، - وفي رواية - صدقت. [الترمذي، أحكام الجنائز ص ۳۸، وغيره].

کسیکه شکم درد او را بکشد در فـ برش عذاب داده نمی‌شود؟ دیگری گفت: بلی، و در روایت دیگر آمده که هـ شخص دومی گفت: راست گفتی .

ع - خواندن سوره تبارک:

رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((سورة تبارك هي المانعة مـ من عذاب القبر)). [صحيح الجامع ۳۵۳۷].

خواندن سوره تبارک از عذاب قبر جلوگیری می‌کند .

۵ - مردن شب یا روز جمعه:

رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((ما من مـ مسلم يمـوت يوم الجمعة أو ليلة الجمعة إلا وفاه الله تعالى فتنة القبر)). [أحمد، والترمذي، وصحيح الجامع ۵۶۴۹].

هیچ مسلمانی روز یا شب جمعه از دنیا نمی‌رود مگر اینکه خداوند او را از فتنه قبر حفظ می‌کند .

پایان
زندگی روز مرهٔ اسلامی

- ۱ - آیا نماز صبح را هر روز با جماعت در م - مسجد ادا می‌کنی؟
- ۲ - آیا بر تمام نمازهای با جماعت در مسجد محافظت می‌کنی؟
- ۳ - آیا امروز چیزی از قرآن را خوانده‌ای؟
- ۴ - آیا بر اذکار و اوراد بعد از ه - ر - نه - از مواظبت می‌کنی؟
- ۵ - آیا بر سنتهای راتبهٔ قبل و بعد از هر نماز محافظت می‌کنی؟
- ۶ - آیا امروز در نه - از خاشع - ع و خاضع - ع ب - ودی و می‌دانستی چه می‌خوانی؟
- ۷ - آیا امروز مرگ و قبر را بخاطر آوردی؟
- ۸ - آیا آخرت و روز قیامت و احوال و سختیهای آنرا بیاد آوردی؟
- ۹ - آیا از خداوند سه بار مسئلت کرده‌ای تا تو را بهشت داخل کند؟ زیرا کسیکه از خدا سه بار مسئلت کند تا او را بهشت داخل کند، شست گوید: بار الهی او را به - ه

قبر: عذاب و خوشی آن

- بشت داخل کن^(۱) .
- ۱۰ - آیا سه بار بخدا از آتش جهنم پناه خواست - ته ای؟
زیرا هر کس اینرا انجام دهد، آتش جهنم گوید: با الهی او را
از جهنم نجات بده . [در پاورقی سابق ذکر شد] .
- ۱۱ - آیا چیزی از احادیث رسول الله ﷺ خوانده ای؟
- ۱۲ - آیا در مورد دوری از همنشینان بد، فکر کرده ای؟
- ۱۳ - آیا تلاش کرده ای تا از خنده و شوخی زیاده
پرهیز کنی؟
- ۱۴ - آیا امروز از ترس خدا گریه کرده ای؟
- ۱۵ - آیا اذکار صبح و عصر را خوانده ای؟
- ۱۶ - آیا امروز از گناهانت استغفار نموده ای؟
- ۱۷ - آیا از خداوند با صداقت خواسته ای تا شهادت
شوی؟ زیرا رسول اکرم ﷺ فرمودند: **((من سأل الله الشهادة بصدق، بلغه الله منازل الشهداء وإن مات على فراشه))** .
[مسلم وغيره] .

زیرا رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((من سأل الله الجنة ثلاث مرات، قالت الجنة: اللهم أدخله الجنة، ومن استجار من النار ثلاث مرات، قالت النار: اللهم أجره من النار)) . [الترمذی، وصحیح الجامع ۶۱۵۱] . هر کس سه بار از خدا بشت را مسئلت نماید، بشت گوید: خدایا او را به - بشت داخل کن، و کسیکه سه بار از دوزخ بخدا پناه برد، دوزخ گوید: خدایا او را از دوزخ بخود پناه ده .

قبر: عذاب و خوشی آن

کسیکه از خداوند با صداقت شهادت طلب کند و خواهد شهید شود، خداوند او را به منازل شهداء می‌رساند اگر چه بر فراش و لحاف خود بمیرد .

۱۸ - آیا دعا کرده ای تا خدا قلبت را بر دی-ن خ-ود ثابت و استوار نگهدارد؟

۱۹ - آیا ساعت اجابت را غنیمت شمرده ای و در ای-ن ساعتها دعا کرده ای؟

۲۰ - آیا کتاب اسلامی جدیدی خریده ای تا اینک-ه از آن امور دین-یاموزی؟

۲۱ - آیا برای مردان و زنان مؤمن استغفار ک-رده ای، زیرا با هر استغفار برای زنان و مردان مسلمان به تعداد ا - بتو ثواب می‌رسد . [مراجعه شود ب ص] .

۲۲ - آیا بخاطر نعمت اسلام که خدا بتو عطا فرم-وده است سپاسگذاری کرده و حمد و ستایش او را بجا آورده ای؟

۲۳ - آیا بخاطر نعمت چشم و گوش و سایر نعمتها که بتو ارزانی داشته سپاسگذاری نموده ای؟

۲۴ - آیا امروز به فقراء و محتاجین صدقه داده ای؟

۲۵ - آیا خشم بخاطر خودت را رها کرده ای؟ و تلاش نموده ای تا بجز بخاطر خداوند در موارد دیگر خ-شمگین و عصبانی نشوی؟

۲۶ - آیا از تکبر و فخر و خودخواهی پرهیز نموده ای؟

۲۷ - آیا بخاطر خدا برادر دینی خود را ملاقات نم-وده

قبر: عذاب و خوشی آن

ای.

۲۸ - آیا برادر و قومان و خویشان و کسانی که با آ - رفت و آمد داری بطرف اسلام دعوت کرده ای؟

۲۹ - آیا فرمانبردار پدر و مادر بوده ای؟ یعنی: آ - از آ اطاعت کرده ای؟

۳۰ - آیا بتو مصیبتی وارد شده و گفته ای: «إنا لله وإنا إليه راجعون». [ما از آن خداییم و بسوی او باز خ - واهیم گشت]^(۱)

۳۱ - آیا امروز این دعا را خوانده ای؟
(اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم، واستغفرك لما لا أعلم، من قال ذلك أذهب الله عنه كل شر - وصغاره). [صحي الجامع ۳۶۲۵].

خدایا! بتو پناه می‌برم از اینکه دانسته بتو شرک ورزم، و از آنچه که نمی‌دانم و انجام می‌دهم از تو طلا - ب مغل - رت و بخشش می‌طلبم.

کسی که این دعا را بخواند، خداوند ش - کر کوچ - ك و بزرگ را از او دور می‌کند.

(۱) رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((ليست رج أحدكم في كل شيء، حتى في شسع نعله، فإنها من المصائب)). [راجع شود بکتاب: الکلم الطیب، تحقیق الألبانی حدیث ۱۴۰]. هر يك از ش - ا در همه چیزها بگوید: «إنا لله وإنا إليه راجعون»، اگر هم در پاره شدن بند کفش او باشد، زیرا حتی این از مصیبت‌هاست که بر انسان وارد می‌شود.

قبر: عذاب و خوشی آن

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم
على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً .

قبر: عذاب و خوشی آن

فهرست مطالب

م	عنوان	صفحه
۱	مقدمه مترجم	
۲	مقدمه مؤلف	
۳	فصل اول: آنچه قبل از قبض روح انسان رخ می‌دهد	
۴	فصل دوم: هنگام سكرات مرگ و خ-ارج شدن روح از بدن انسان	
۵	۵ - فصل سوم: آنچه بعد از قبض روح انسان رخ می‌دهد	
۶	۶ - فصل چهارم: عذاب ج-سمانی ك-ه گنهكاران در قبرشان می‌بینند	
۷	۷ - فصل پنجم: از گناهانی ك-ه گنهكاران در قبرشان بخاطر آن عذاب می‌بینند	
۸	۸ - فصل ششم: پیامبران علیهم السلام و زندگی برزخ	
۹	۹ - فصل هفتم: آنچه مرده بعد از وفات از آن ثمره و ثواب و پاداش می‌برد	
۱۰	۱۰ - فصل هشتم: آنچه سبب می‌شود تا انسان از عذاب قبر نجات یابد	
۱۱	۱۱ - پایان: زندگی روزمره اسلامی	

قبر: عذاب و خوشی آن

م	عنوان	صفحه
۱۲	فهرست مطالب	

